شماره مخصوص «اثر» برای خوانندگان

ستارهٔ سینما

شمارهٔ اوّل

ریال ۶

«استانلی کرامر»

تهیه کننده زبردستی که او را «اعجوبه سینما» و «نابغه بی پول» لقب داده اند

سرگذشت «استانلی کرامر» تهیه کننده فیلم «پایان یك‌عمر» که برای اولین بار بافیلم «قهرمان» بجهانیان معرفی شد، بی شباهت بداستان همان قهرمان نیست.. او هم‌مانند «میج کلی» (که کرك دوگلاس‌رل اورا ایفامی کرد) آنقدر کوشش کرد وزحمت کشید ومبارزه نمود تا بالاخره توانست در هالیوودبرای خود جائی باز کندودرعرض مدت کوتاهی در زمره بهترین تهیه کنندگان قرار گیرد استانلی کرامررادرهالیوود«اعجوبه‌سینما» و «نابغه بی‌پول» لقب داده اند وعلتش را از زبان خودش بشنوید: «من‌عقیده‌دارم که اگر تهیه کننده یك جو ذوق داشته باشد، بدون خرج مبالغ گزاف موفق خواهد شد بهترین فیلم رابسازد و روی همین سیاست من تا کنون فیلمهائی ساخته ام که خرج آن ها شاید یك سوم فیلمهای معمولی‌هالیوود باشد اما ازلحاظ خوبی داستان.. بهتر است‌خودتان آمار فیلم‌های پردر آمدسالهای اخیر رادوباره بخوانید» سبك کار استانلی کرامر ازاین قرار است که‌داستانی، معمولا از کتابهای معروف‌و پر فروش، یا اقتباس از آثار نویسندگان‌مشهور، انتخاب میکند ودست یك یا دو نفر سناریست ماهر و ورزیده میدهد وچون سناریوحاضر شد، یکبارهم خود درسناریوتجدیدنظرمیکند.

سپس باهنرمندانی که شهرت‌چندانی ندارند اما درعوض‌رل‌خودرا خوب بازی میکنندشروع بکار میکند بدینطریق استانلی کرامر مدت شش‌سالست که چشم تهیه کنندگان هالیوودرا خیره کرده وتا کنون نیز حتی یکبارهم منقدین‌سینمائی بفیلمهای او ایراد نگرفته اندچون.. شرح حال او را بخوانیدتا بدانید چرا..

استانلی کرامر در ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۳ در نیویورك متولد شدو خانواده‌اش همه درکارفیلمسازی وپخش‌فیلم بودند. استانلی در سال ۱۹۳۳ ازدانشگاه‌نیویورك‌فارغ التحصیل‌شد و بعد باهفته‌ای ۹۰ دلار در کمپانی فوکس بعنوان‌نویسنده استخدام گردیداماپس‌ازدوهفته اورابیرون کردند وبه کمپانی مترو گلدوین مایررفت‌ومدت سه سال‌درقسمت مونتاژفیلم‌های آن کمپانی کار کرد. وقتیکه‌اولین سناریوی خودرا بکمپانی کلمبیافروخت از«مترو» استعفا داد ولی باز بهمان کمپانی باز گشت و یك سال قبل‌از اینکه امریکا وارد جنك‌شود بعنوان کمك تهیه کننده‌دو فیلم «شب‌ما اینطور بپایان میرسد» و«ماه‌وشش‌پنس» را در کمپانی «یونایتدآرتیست» تهیه کرد سپس وارد ارتش شدو چند فیلم‌جنگی و آموزشی ساخت و باسمت‌ستوانی ازارتش بیرون آمد. در سال ۱۹۴۷ با نویسنده ای بنام «کارل‌فرمن» استودیوی «اسکر-ین پلیز» را تاسیس کرد واولین فیلمش «اینهم نیویورك» نامداشت که‌هر چند فیلم خوبی نبود اما نسبتاسود دادو نظر ها متوجه‌سازنده آن‌شد. دوفیلم بعدی

استانلی(قهرمان)و«خانه‌شجاعان» بود که هردو موفقیت زیادی پیداکرد و کرك‌دوگلاس و روت رومن بواسطه بازی در فیلم قهرمان جزو هنر پیشگان بزرك‌و مشهور در آمدند. موفقیت این دوفیلم باعث شد که استانلی درسال ۱۹۴۹ استودیوی محصولات استانلی کرامررابا کمك«جرج کلاس»و«کارل‌فرمن» تاسیس کند که سهام عمده آنرا همین سه نفر داشتند. فیلم «مردان» که‌درژوئیه ۱۹۵۰ در نیویورك نمایش‌داده شداولین‌محصول این‌شرکت جدید بود که‌مسئله سربازان افلیج شده دراثرجنك وعکس‌العمل‌جامعه نسبت بآن‌ها، در آن پیش کشیده بود و «مارلون براندو» هنرپیشه‌تماشاخانه‌های برودوی با بازی‌در آن شهرتی عالمگیر یافت.

دراواخر سال ۱۹۵۰ فیلم «سیرانو-دوبرژراك» باشتراك «خوزه‌فرر» هنرمند امریکائی ازاین استودیو روی پرده آمد در سال ۱۹۵۰ استانلی باتمام تشکیلاتش بکمپانی کلمبیاپیوست‌و قرار شدکه در پنج سال‌آینده سی فیلم درآن کمپانی و بخرج آن تهیه کندبشرطاینکه درانتخاب موضوع وطرز کارآزاد باشد.

از فیلم‌هائی که‌در کمپانی کلمبیا تهیه کرده‌است می‌توان: «شش‌محکوم من» «تختخواب‌چهارپایه» «شاهدعقد» «مرك یك‌فروشنده» (پایان‌یك‌عمر) «دوره-خوشبختی» و(خون گرم) رانامبرد. ازفیلم های اخیرش که با آثارقبلی او اختلاف فاحشی دارند بایددو فیلم رنگی «پنج-هزار انگشت دکترتی» و«شورش‌در-کشتی کین» راذکر کرد که هنر پیشگان فیلم اخیرعبارتند از:

همفری‌بوگارت، خوزه‌فرر، فردمك-مورای، وان‌جانسون و...

جزئیات!

شب عیدژانویه یکی‌از رفقای بوب هوپ باورسیدو گفت: راستی آن دختره‌را که‌پدرش درخیابان — اسمش‌یادم نیست، دکان‌داشت بیادمی‌آوری؟ همین‌دیروز با آن‌پسره که پدرش روبروی مغازه پدر دختره، بخاطرم نیست چکارمیکرد، ازدواج نمود! بوب‌هوپ باخونسردی گفت: جریان ازدواج آنهارا شنیده بودم اما کسی باین دقت‌جزئیات! آنرا برایم‌تعریف نکرده‌بود!

هنرمند!

یکشب جان‌باریمور مرحوم پس از اتمام نمایشی اشتباها واردطاق مخصوص زنان‌شد. ناگهان یکی‌از زنهافریاد زد: اینجا مخصوص بانوان است! جان‌باریمور هم بدون معطلی پاسخداد: منهم زن هستم!

هنرپیشگان پولساز سال ۱۹۵۲ اینها هستند

یك نظر کلی بر فهرست هنرپیشگان پولساز

نیم قرن است که هالیوود ، پایتخت سینما ، ازاسم ورسم هنرپیشگان وستارگان خود نان میخوردو دانستن اینکه کدام هنرپیشه یاستاره بیشتر طرف توجه عموم است برای صاحبان کمپانیهای فیلمبرداری ازلوازم ضروری کار بشمار میرود

گاری کوپر

درهالیوود، معمولا برای هنرپیشگان تازه کار تبلیغات زیادی میشود وحتی بعضی اوقات مامورین تبلیغات استودیوها آنها را وادار میکنند که مثلا بازن مشهور یا مرد ثروتمندی ازدواج کنند تاسروصدای آنها بیشتر در مطبوعات بپیچد و بعد.. خودتان بهتر میدانید .. هنرپیشه مشهور می‌شود وآنوقت است که عده‌هواخواهان او افزایش مییابدودر نتیجه سیل دلار بسوی صندوقهای هالیوود سرازیر میگردد.

روی همین اصل مجله موشن پیکچر هرالد ارگان نیمه رسمی کمپانیهای هالیوود، آخر هرسال درشمارهٔ مخصوص خود ، با توجه به بلیط های فروخته شده و محبوبیت هنرپیشگان ، لیست ستارگان پولساز را معین میکندوصاحبان کمپانیها با در نظر گرفتن فهرست اسامی هنرپیشگان پولساز برنامه‌های سال بعد خود را تنظیم کرده یا تغییر وتبدیل میدهند.

این فهرست ازلحاظ کلی بسیار جالب وواجد اهمیت است ومانیز اینك هنرپیشگان پولساز سال ۱۹۵۳ رابشمامعرفی میکنیم:

۱-**گاری کوپر** _سال گذشته نفردوم بوداما امسال به‌رتبه اول ترقی کرد ، در صورتیکه فقط دو فیلم « بازگشت به بهشت » و «توحش منهدم کننده» را از اونشان داده‌اند.

۲-**دین مارتین وجری لوئیس**- درسال ۱۹۵۲ ایندو رتبه اول را داشتند اما نتوانستند درمقابل کاری کوپر مقاومت کنند فیلمهای سال ۱۹۵۳ آنها عبارتند از : مامور گلف ، روح ترسان، و سوفلور.

۳-**جان وین**- وضع جان وین نسبت به‌سال گذشته تغییری نکرده و این بیشتر بدانجهت است که چند فیلم مهم و جالب از او نشان‌داده‌اند که ازمیان آنهامیتوان: دردسر درمیان‌راه ، جزیره‌ای در آسمان و هوندو ، را نام برد.

۴-**الن لد** _در سال ۱۹۵۲ نفر شانزدهم بودولی درسال ۱۹۵۳ ازاو فیلم‌هائی که موردپسند آمریکائیهاست ،زیاد نشان‌دادند ومعروفتر از همه آنها(شین) است . فیلمهای لژیون صحرائی، چتر باز، خلیج بوتانی، وغرش رعد درخاور، اونیز قابل ذکرهستند.

۵-**بینك کروزبی**- امسال یك‌رتبه عقب رفته‌است چون‌درسال ۱۹۵۳ فقط‌از اویك فیلم‌نمایش دادند. این فیلم کودك گمشده ، نامدارد که درفرانسه‌تهیه‌شده و کاندید جایزه اسکاراست .

۶-**مریلین مونرو**- شایدهیچ ستاره‌ای

الیزابت تایلور اخیرا از مایکل — وایلدینك شوهر انگلیسی خود دارای کودکی شد ، کودکی زیباوچاق وچله . . . اما آنهائیکه سرشان توی کار است می گویند این‌طفل ماندنی نیست زیرا ... مایکل‌وایلدینك نزدیك پنجاه سال‌دارد و کودك‌چنین پدری ..

چه‌میشود کرد ،عشق دختری تازه‌سال بمردی مسن ،نتیجه‌ای‌جز این ببار نخواهد آورد !

نتوانسته باشد باین زودی خود را داخل فهرست هنرپیشگان پولساز نماید فیلمهای سال گذشته اوعبارتنداز:

فیاگارا ، آقایان موطلائی هاراترجیح میدهند، و فیلم سینماسکوپ چگونه‌میتوان بایك‌میلیونر ازدواج کرد!

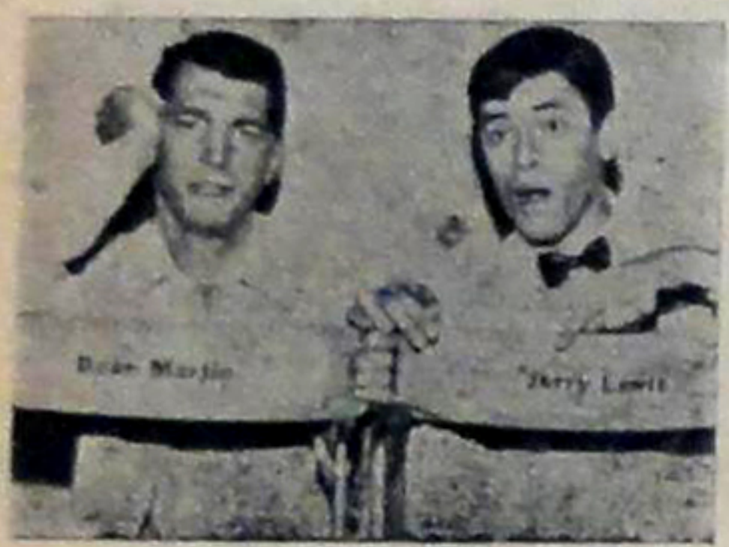

دین مارتین و جری لوئیس

۷-**جیمزاستوارت**- ازرتبه ششم به هفتم تنزل کرده است چون فقط دو فیلم مهیز برهنه و خلیج رعد از اوبازار آمد که هر دو جزو فیلمهای خوب سال بشمار میرفتند .

۸-**باب هوپ**- مثل اینست که درسال‌های اخیرازشهرت و معروفیت او بمقدار زیادی کاسته شده‌است سال گذشته فقط دو فیلم خارج ازحد و دختران باینجا میآیند را ازاو نشان‌داده‌اند که فیلم‌دومی چندان خوب نیست .

۹-**سوزان هیوارد**- نسبت به سال ۱۹۵۲ تغییری نکرده وهمچنان باموفقیت تمام مشغول‌بازی در فیلمهای‌معروفی مثل همسر رئیس جمهور و دختر سفیدجادوگر بوده است .

۱۰-**راندلف اسکات** _ازسال ۱۹۵۱ وارد این‌فهرست شدو سال گذشته هم‌نفر دهم بود.

ازفیلمهای‌سال گذشته او اینها قابل ذکرند: حلقه دژخیم، مردی پشت طبانچه، رعد برفرازبیابانها و ناشناس طبانچه‌ای همراه داشت که این‌فیلم آخری(سه بعدی) میباشد .

* * *

درسال ۱۹۵۲ گریگوری‌پك ودوریس دی نیزدرفهرست فوق‌بودند اما بواسطه نمایش چند فیلم متوسط از آنها ، امسال نتوانستند موفقیتی بدست آورند .

شوالیه ها

...und Table

عملیات قهرمانی ملح... مبارزه پایان ناپذیر شوا... های جالبی در عالم...

اولین فیلم «سینماسکوپ» ... تهیه ...

وقتی کمپانی «مترو گلدوین مایر» از تهیه فیلم معروف «آیوانهو» به اشتراک «رابرت تایلور» و «الیزابت تایلور» فارغ شد، بخوبی درک کرد که نوع جدیدی فیلم پا بعرصه وجود گذارده است و آن، فیلمهای تاریخی دوباره قرون گذشته انگلستان و عملیات شجاعانه شوالیه های آنزمان میباشد. اصولا مدتی است که مترو فقط سه نوع فیلم تهیه میکند:

موزیکال، کمدی و تاریخی، که نوع اخیر بیشتر از روی کتابهای کلاسیک و معروف جهان اقتباس میشود و فیلمی هم که ما دراین هفته به شرح آن می پردازیم یعنی «شوالیه های میز گرد»، از روی داستان فنا ناپذیر «سرتوماس مالوری» بنام «مرگ آرتور» اقتباس گشته و تهیه سناریوی آن بعهده «تالبوت جینگز»، «نوئل لانگلی» و «جن لوستیک» بوده است که با مهارت فراوانی از عهده آن بر آمده اند.

مقصود از «شوالیه های میز گرد» آنست که در زمان «آرتور» پادشاه انگلستان عده زیادی شوالیه و سلحشور که کاری جز جنگ و دعوا و کسب شهرت و افتخار نداشتند، در دربار انگلستان بسر میبردند و هرچند یکبار در قصر پادشاه که حامی آنها بود، دور میز گردی جمع میشدند و درباره شجاعتهای خود داد سخن میدادند.

قصر «کاملوت»، که مرکز پادشاه بود در آنزمان، شاهد مرگ و افتخار بسیاری از شوالیه های باصطلاح «بزن بهادر» بود که معروفتر از همه آنها را «سرلانسلوت» باید دانست و «رابرت تایلور» دل اورا بوجهی نیکو بازی میکند.

علت مهارت «رابرت تایلور» در این نوع نقشها بواسطه بازی در فیلمهای تاریخی مهمی مثل «کجا میروی؟» و «آیوانهو» است و گوئی کمپانی مترو گلدوین مایر غیر از او کسی را شایسته تر برای ایفای دل قهرمانان تاریخی نمیداند.

«اوا گاردنر» که زیبائی بی نظیرش در فیلمهای رنگی و در میان لباسهای تاریخی شیفته تر می شود دل پرنسس «گینور» را بعهده دارد که هم «آرتور» و هم «سرلانسلوت» ـ و شاید عده زیادی دیگر از شوالیه ها ـ عاشق او بوده اند.

البته معلوم است کسی که در این عشق شکست میخورد، «اعلیحضرت آرتور» بایستی باشد زیرا صیت شجاعتها و پهلوانی های «سرلانسلوت» بقدری بوده که هیچ

ماهروئی درمقابل عشق او یارای مقاومت نداشته و بی اختیار دل و دین از کف میداده است. «مل فرر» در رل «اعلیحضرت آرتور»، حامی سلحشوران قصر کاملوت و دوست ملتش، شاید از دیگر هنر ـ پیشگان بهتر رل خودرا ایفا کرده باشد چون مهارت این مرد در ایفای نقش پادشاهان و نجیب زادگان ـ چه خوشقلب وچه بدقلب ـ خارج از توصیف است. از او هنوز فیلمی در تهران نشان داده نشده که خوانندگان عزیز از نزدیک با او آشنائی داشته باشند.

«آن کرافورد» در رل «مورگان لوفی»، زن وسوسه کار و شهوت انگیزی که سعی میکند «سرلانسلوت» را بداخل جنگل جادو شده بکشد و اورا بدام «مرلین» جادوگر بیندازد، اصلا انگلیسی است و چون کلیه صحنه های فیلم در خود انگلستان تهیه شده لذا بجز هنرپیشگان اصلی، سایرین از میان بازیکنان انگلیسی انتخاب شده اند و «آن کرافورد» نیز یکی از آنهاست.

فیلم مصور...

(سینما سکوپ ـ رنگی) ـ باشتراک...

از روی کتاب معروف «للویدر...

مارسلوس (ریچارد بارتن) یک سردار رومی است که هنگام مصلوب شدن حضرت مسیح با سایر سربازان رومی تاس بازی میکند و «خرقه» اورا بعنوان جایزه می برد.

«مارسلوس» در قضیه مصلوب شدن حضرت مسیح دست داشته و بخیال خودش اینکار را برای عظمت روم و پاک کردن دنیا از وجود مرد دروغگوئی انجام داده است.

«مارسلوس» دارای غلامی است به نام دیمتریوس (ویکتور میچر) که به دین مسیح گرویده و شاهد مصلوب شدن پیغمبر خدا میشد «دیمتریوس» از مشاهده این منظره در رنج و عذاب فراوانی بسر میبرد. «مارسلوس» سعی میکند که «خرقه» را در آتش بسوزاند اما ناگهان ندائی ملکوتی از عالم غیب بگوش او می رسد و کم کم میفهمد که مسیح را بدون گناه بدار زده اند.

میز گرد

Knights of

ن «قصر کاملوت» و
امر لین جادو گر صحنه
وجود آورده است
که دومیلیون ونیم دلار خرج
ت

از این ستاره انگلیسی فقط فیلم «کاروان» را که همبازیش در آن فیلم «استوارت گرنجر» بود ، دیده ایم .

رل «مرلین» جادوگر طبعاً میبایستی به عهده «استانلی بیکر» واگذار میشد چون این هنرپیشه انگلیسی قبلا در بعضی از نمایشات وفیلمهارل جادوگران قرون وسطی را بازی کرده واز اینراه شهرت ومهارتی کسب نموده است .

«مرلین» جا و گر در جنگل سحر شده ای زندگی میکرده وداستان شکست شوالیه های میز گرد ازاو و پیروزی نهائی «سرلانسلوت» براو از قسمت های شیرین تاریخ انگلستان واین فیلم بشمار

«خرقه»
ورد بارتن — جین سیمونز — ویکتور میچر
» — محصول فوکس قرن بیستم

«مارسلوس» که پس از این جریان متوجه گناه خود شده در اثر موعظه های «پطرس» حواری مسیحی میشود وخرقه را باخودبه روم نزد نامزدش (جین سیمونز) و «کالیگولا» امپراطور روم میبرد . نامزد «مارسلوس» که در خفا مسیحی میباشد از او استقبال می نماید و «خرقه» را باوضع آبرومندی نزد خود نگهداری میکند

«کالیگولا» امپراطور خونخوار روم «مارسلوس» را متهم میکند که با پذیرفتن دین جدید به کشور و بتهای معبود رومیان، خیانت کرده است واورا تهدید به اعدام مینماید اما «مارسلوس» که تحت تاثیر دین جدید نسبت به جان خود بیمناک نیست به اتفاق نامزدش در مقابل تهدیدات امپراطور ایستادگی میکند وبالاخره در اثر شفاعت درباریان از مرگ نجات پیدا میکند .

می رود صحنه های نبرد فیلم «شوالیه های میز گرد» ازیک جهت تاکنون نظیر نداشته است زیرا این فیلم باطریقه سینما سکوپ (که شرح مفصل آن در مقاله تکنیک های جدید سینما خواهد آمد) تهیه شده و چون پرده های «سینما سکوپ» ریض و دارای انحنا می باشد ، لذا صحنه نبرد برخلاف فیلمهای معمولی ، طبعا وسیع تر ازحد متعارفی است ودر حقیقت طرفین ،

دریك «پلان» مشترك در آن واحد مشغول نبرد میشوند و دیگر لازم نیست که هر چند لحظه دسته ای از طرفین دعوا را بطور جداگانه نشان داد .

صحنه جنگی بزرك فیلم که درمحل «حلقه احمار» اتفاق میافتد بقدری زیبا وعالی تهیه شده که ازهم اکنون آن را جزو صحنه های کلاسیك سینما بشمار میاورند و شاید میدانی شود که سایر تهیه کنندگان بتقلید از آن فیلمهای بعدی خودرا بسازند تهیه کنند. «پاندرو برمن» است که فیلمهای تاریخی وپر حادثه مترو ازقبیل «سه تفنگدار» ، «اسکاراموش» و «آیوانهو» را اوتهیه کرده واز اینراه تجارب مفیدی آموخته است . کارگردان آن نیز «ریچارد تورپ» است که به اتفاق «پاندرو برمن» فیلم «آیوانهو» را ساخت و رژیسوری آنرا بعهده داشت

«ریچارد تورپ» از کارگردانان خوب و مدود . کمپانی مترو است وفیلمهائی که تاکنون کارگردانیش بعهده او بوده نام وشهرتی کسب کرده وهر کدام چند میلیون دلاری به صندوق کمپانی استفاده رسانده اند. همانطور که قبلا ذکر شد این فیلم تماما در انگلستان تهیه شده واین بیشتر بدانجهت بوده که صحنه های فیلم حقیقی بنظر آید ومناظر طبیعی تر باشد . این سیاست تهیه کردن فیلم در محل وقوع داستان ، سه چهار سالی است که در هالیوود طرفداران زیادی پیدا کرده ومیتوان گفت هروقت یکی از کمپانی های فیلمبرداری بزرك هالیوود بخواهد یك فیلم تاریخی بسازد ، فورا مسافرت دور و درازی برای هنرپیشگان و کارگردان و تهیه کننده پیش خواهد آمد ، چنانچه اکنون در ایتالیا و فرانسه واسپانیا وانگلستان وآلمان دسته های فیلمبرداران امریکائی مشغول تهیه فیلمهای تاریخی مربوط به آن کشورها هستند «شوالیه های میز گرد» رنگی است واولین فیلم «سینماسکوپ» کمپانی مترو گلدوین مایر محسوب میشود .

امتیاز طریقه «سینما سکوپ» در اختیار «فوکس قرن بیستم» است و معمولا برای هر فیلمی که کمپانی دیگری بخواهد بآن طریقه تهیه کند ، چهل هزار دلار میگیرد ، امامسئله مهم کمبود عدسی مخصوص سینما سکوپ وخرج گراف فیلم است که باعث شده تهیه فیلم به طریقه سینماسکوپ بکندی پیش برود .

نقش موسیقی در فیلمهای سینما

موزیك فیلم مکتب جدیدی در عالم موسیقی بوجود آورده و بزودی

نظیر موسیقی سمفونیك ، بالت و اپرا ، طرفداران زیادی پیدا خواهد کرد

رضا زرکش

اغلب ازکسانیکه بسینما میروند به موزیك فیلم بقدری بیعلاقه هستند که چند لحظه‌ای پس از خروج از سالن سینما بکلی قطعاتی را که ضمن فیلم شنیده اند فراموش میکنند واگر از آنها بپرسید که آیا فیلم موزیك داشت یا نه گروه کثیری از آنها حتی نمی توانند جواب صریحی بشما به دهند و اغلب نگاهی استفهام آمیز بشما میکنند مثل اینکه میخواهند بگویند مگر موزیك یك فیلم را باید گوش کرد ؟!

گروهی از تهیه کنندگان فیلم عقیده دارند تماشاچیانی که موزیك فیلم را گوش نمیکنند لذتی از فیلم نمیبرند گو اینکه این امر بسته بمیزان علاقه اشخاص به موسیقی میباشد ولی باید طبقه سینما رو را راهنمائی کرد که بموزیك فیلم گوش بدهند واز آن لذت ببرند زیرا گوش دادن بموسیقی فیلم هم ذوق موسیقی اشخاص را بالا میبرد و هم بر تجربه سینمائی آنها را میافزاید.

موزیك فیلم کمك موثری به فیلم میکند و باعث میشود که تماشاچیان بیشتر از فیلم لذت ببرند واین امر را میتوان با خفه کردن موسیقی فیلم اثبات کرد.

اغلب مشاهده شده است که پس از خفه شدن موزیك فیلم اثری که باید آن فیلم روی شنونده بگذارد ، نگذاشته و صحنه بصورت خشك و ناراحت کننده ای درمی آید. از اینراه میتوان به نقش مهم موسیقی در فیلم های سینما پی برد.

موسیقی باعث میشود که تماشاچی محیط وساعت وقوع حادثه را به آسانی قبول کند و روحیات یك هنرپیشه را به وسیله موسیقی در نظر خویش مجسم نماید علاوه بر این موسیقی میتواند احساسات گوناگونی در تماشاچی ایجاد نماید و اورا برای قبول صحنه های بعدی نیز آماده سازد.

برای مربوط ساختن قسمت های مختلفه فیلم وادامه دادن صحنه های مختلف نیز حداکثر استفاده از موسیقی می‌شود زیرا به تهیه کنندهٔ فیلم کمك میکند و اجازه نمیدهد که فیلم نامنظم و درهم و برهم جلوه گر شود.

هنگام خاتمه یافتن فیلم نیز موسیقی نقش مهمی بازی میکند و قبل از تار شدن پرده شنونده را متوجه میسازد که فیلم پایان یافته است ودر نتیجه تماشاچی پیش از اینکه فیلم تمام شود متوجه است که در ظرف یکی دو دقیقه دیگر فیلم پایان خواهد یافت.

ساختن آهنك برای فیلم دارای مشکلاتی است وبآهنك ساز اجازه نمیدهد که از تمام امکاناتی که برای آهنك سازان وجود دارد استفاده کند ولی در مقابل در فیلم ممکنست یك آهنك را در دو موقع ضبط کرد وسپس برای تقویت یك صحنه فیلم آهنك های ضبط شده را در آن واحد در نوار فیلم ضبط نمود و یا بکلی یك ساز ویا چندین ساز را از ارکستر حذف نمود ویا اینکه فرضا برای نشاندادن یك صحنه اسرار آمیز از انعکاس صدا استفاده کرد و تاثیر خاصی به صحنه فیلم بخشید.

در نظر مردم عادی مشکل ترین کار تهیه موزیك برای فیلم ، تطبیق موسیقی با صحنه های مختلف میباشد ولی در عمل چنین نیست واز این لحاظ ساختن آهنك برای فیلم بمراتب آسانتر از ساختن یك آهنك مطلق است زیرا صحنه فیلم وموضوع داستان ایده ای به آهنك ساز می‌دهد و باو کمك میکند که تخیلات خودرا توسعه دهد وروی زمینه‌ای که در اختیارش گذاشته شده است آهنك بسازد.

موسیقی فیلم هنوز مراحل ابتدائی خودرا طی میکند وبقول یکی از آهنك سازان یك «هنر اسرار آمیز» است که هنوز بسیاری از مجهولات آن کشف نشده است اما اسرار آمیزتر عکس العمل تماشاچیان سینما نسبت بموزیك فیلم است. زیرا در حالیکه میلیونها نفر هرروز به موسیقی فیلم گوش میدهند شاید یکنفر هم آثاری را که تهیه آن گاه ماهها وقت میگیرد نمیشنود و بآن توجهی نمی کند !!

«ویکتور یانك» که آهنگهای فیلم معروف «سامسون و دلیلا» را ساخت و شهرتی عالمگیر پیدا کرد

محرومیت

جودی کانووا روزی در مجلسی گفت: تا موقعیکه بسن ۲۴ سالگی نرسیده بودم مادرم نمیگذاشت اسم هیچ پسری را بزبان بیاورم و یا گربه و سك نر در خانه نگهدارم !!

اهمیت!

در هالیوود اهمیت یك هنرپیشه را نسبت به داستانهائی که در باره بیسوادی او گفته میشود میسنجند !

جین سیمونز، دختریکه اکنون در هالیوود گل‌سر سبد ستارگان بشمار میرود

علاقه به رقص دختری گمنام را باوج شهرت وترقی رسانید

ر . زرین

سر گذشت «جین سیمونز» شبیه افسانه های پریان است هنوز در یکی ازمدارس حومه لندن مشغول تحصیل بود که بخت و اقبال بسراغش آمد و اورا بمقام ستارگی سینما رسانید.

البته این رویائی است که اغلب دختران باآن مشغولند ولی ندرتاً صورت تحقق بخود میپذیرد !!

«جین سیمونز» در ژانویه ۱۹۲۹ درلندن متولد شدو تا سن چهارده‌سالگی که در اولین فیلم خودشرکت کرد، اصولا هیچگونه تجربه‌ای در امور نمایش نداشت وفکر اینکه روزی هنرپیشه شود هرگز بخاطرش نرسیده بود.

هنگام جنك اخیر وی باتفاق خواهرش «ادنا» به «سامرست» نقل مکان کرد «ادنا» که دو سال از «جین» بزرگتر بود کلاس رقصی برای اطفال دهکده «سامرست» وسایر اطفالی که از اطراف بآنجا پناهنده شده بودند، دائر نمود.

«جین» هم مانند سایر شاگردان دیگر شروع بیاد گرفتن رقص کرد امابدواً بخاطر تفریح و بعد عشق وعلاقه زیادی برقص پیدا نمود و در مدت کوتاهی بچنان پیشرفت هائی نائل آمد که بجای اینکه مانندیك شاگرد معمولی رقص یاد بگیرد، توانست خواهرخود را درامر آموزش رقص کمك نماید!

مدتی بعد از این دو خواهر بلندن مراجعت کردند و «جین» کوچولو تصمیم گرفت که رقص را پیشه خود کند بدینواسطه مادرش که زنی فهمیده بود بعوض اینکه او را بیکی از مدارس محلی بفرستد، روانه مدرسه رقص «گلدز گرین» نمود تابتواند علاوه بر یاد گرفتن رقص، شغلی هم در تماشاخانه ها برای خود بیابد.

پس از ورود بمدرسه جدید، مدیره آموزشگاه فورا نظرش باین شاگرد تازه جلب شدودر یافت که «جین» استعداد زیادی در رقص داردو چهره بیضی شکل زیبایش بسیار فوتوژنیك است، در نتیجه هنگامیکه مدیره مدرسه خواست دختر کوچکی برای ایفای رل خواهر «مارگارت لاکوود» درفیلم «ماه‌را بیابید» باستودیو فیلمبرداری بفرستد لحظه‌ای هم درانتخاب «جین» تردید نکرد.

«جین» بدون اینکه آزمایشی ازاو بعمل آید توانست این نقش را بدست آورد ودر عین حال بسیارخوشحال شد.

وی توقع نداشت از عهده رلی که باو محول شده بود بخوبی برآیدزیراتاکنون فکر اینکه در فیلمی بازی خواهد کرد بمغزش خطور ننموده بودولی بازی او ثابت کرد که وی هنرپیشه خوبیست وبهمین جهت متوالیا در فیلمهای زیادی شرکت کردو روز بروز بر شهرت و مهارتش افزوده شد. برخی از این فیلمها که بازی کرده از این قرارند:

«عروس را برای خداحافظی ببوس» «راه ستارگان» «انتظارات بزرك» «تبه گرسنه» «نرگس سیاه» «عمو - سیلاس» «نفس طلائی» «مرداب آبی» و «ماملت» که در این فیلم در نقش «اوفلیا» ظاهر شد.

زمانی که «جین» درفیلم «آدم وحوا» رل مقابل «استوارت گرنجر» را بازی میکرد سخت فریفته وی شد و بلافاصله بعداز این فیلم بود که «جین» و استوارت چند روزی ناپدید شدند!! و بعدا معلوم شد که بطور نهانی در منزل یکی ازرفقای «استوارت» با یکدیگر ازدواج کرده اند!

بعد از این ازدواج «استوارت» که قرار دادطولانی باکمپانی مترو داشت با «جین» بهالیوودرهسپار شدند کارخانه های هالیوود بعد از فیلم «هاملت» منتظر «جین» بودندو... امروز «جین» یکی از هنر پیشگان هالیوود است.

از آخرین فیلمهای وی می توان «اندروکلس وشیر»، «شاهزاده جوان» «خرقه» و «هنرپیشه» رانامبرد.

کارگردان!

یکروز هدی‌لامار و بن‌هیت برای مذاکره درباره فیلمی بنا بدعوت هانت استرومبرك بخانه‌او رفتند. هانت در را بروی آنها باز کرد وپس‌ازاینکه آنهارا به سالن پذیرائی هدایت نمود گفت: خواهش میکنم تشریف داشته باشیدالساعه برمیگردم. یکساعت گذشت و از اوخبری نشد. هیت گفت: گمان میکنم مارا فراموش کرده است، بهتر است از سر شروع کنیم.

بعد دو نفری خارج شدندو دو باره زنك زدند هانت دررا باز کردو هدی‌لامار گفت: خیلی معذرت میخواهیم که کمی دیر آمدیم. هانت عصبانی شدو گفت: بسیار خوب، امااین دفعه آخرتان باشد چون وقت من خیلی گرانبهاست!. سپس هرسه واردخانه شدندومشغول مذاکره در باره فیلم جدیدخود گردیدند!!

بادیوید فارار در فیلم «قفس طلائی»

((استودیو عصر طلائی))

س . خبر نگار

در سال ۱۳۳۰ دوتن از علاقمندان سینما یعنی آقایان کردوانی و حکیمیان استودیوی مجهز و نسبتا کاملی تاسیس کرده که نام آنرا «استودیو عصر طلائی» گذاردند و محل آنرا در خیابان فیشرآباد قرار دادند که هنوزهم در همانجاست.

اما پس از چندی آقای حکیمیان از این استودیو جدا شده واکنون خودشخصا بتهیه فیلم مشغول است .

نمودند که بعد از یکسال بپایان رسید و خرجهای هنگفتی که برای دکور ها و دیگر وسائل فیلم برداری متحمل شده بودند آنرا یکی از پرخرجترین فیلمهای فارسی که تاکنون تهیه شده نموده بود و البته خوانندگان عزیز آنرا درسینمای تهران ملاحظه فرمودند ، اینفیلم از «اوزن حاجی بیگلی» نویسندهٔ مشهور ترك بود که بوسیله آقای صدصباحی بفارسی ترجمه شده و آهنگ های فیلم هم از خود نویسنده بود .

سپس بعد از فیلم «مشهدی عباد» دست بتهیه « دختر چوپان » زدند که آقای معزالدیوان فکری آنرا نوشته و خودش رژیسوری میکرد این فیلم درسال ۱۳۳۲ پایان یافت و هنگامیکه مشغول نگارش این رپورتاژ هستیم سینماهای مایاك وهما هنوز بنمایش آن مشغولند . بازیکنان این فیلم عبارتند از : شهلا ، مجیدمحسنی ، معزالدیوان فکری، آریان، قدکچیان ،ظهوری ، کریمی و آهنگهای آن نیز از ساخته های آقای شاپور نیاکان بود .

فیلمبرداری این دوفیلم از آقای نوری حبیب وصدا و موناژ وچاپ از آقای مغازه‌ای بود وفعلا آقای مغازه‌ای نه فقط کارهای فنی استودیو را بعهده دارند بلکه مدیریت داخلی و گردانندگی کارهای استودیو نیز با ایشان میباشد

استودیو «عصر طلائی» هم اکنون دو فیلم در دست تهیه دارد که یکی میلیونر است ودیگریرا هنوز نامی برایش تعیین نکرده اند

فیلم «میلیونر» را که آقای مهندس بدیع فیلمبرداری میکند ، سناریوی آن بازهم از آقای فکری و بازیکنان آن : تفکری، هامازاسب (قهرمان زیبائی اندام) ویك خانم « ناشناس» که هنوز نامش درفیلم معلوم نیست ، میباشند .

فیلم بدون نام دومی را آقای هوشنك کاوسی تهیه میکند وبازیکنانش عبارتند از : مجید محسنی وخانم «ناشناس» .

و برای اینکه اطلاعات بیشتری راجع بفیلم «میلیونر» بدست آورید به تفسیری که بعداز اتمام این مقاله درباره آن شده است توجه فرمائید .

این استودیو تصمیم دارد بعد از فروردین ماه ۱۳۳۳ یکدفعه تهیه سه فیلم را که یکی از آنها ممکن است درام باشد دردست بگیرد .

این بود رپورتاژی که از استودیو فیلمبرداری «عصر طلائی» در اختیارشما گذاردیم وحال بمعرفی فیلم «میلیونر» که اکنون در دست تهیه است میپردازیم :

محیط استودیو بعد از اتمام فیلم «دختر چوپان» بسیار گرم و صمیمانه شده است و جای داغ خستگی هنرپیشگان و کارکنان را مرتفع میسازد

« میلیونر »

«زردوست» میلیونر طماعی است که باداشتن ثروتی هنگفت بازهم حرص بدست آوردن وجمع آوری پول دارد و

در اینمدت دوساله آقای کردوانی برای بهتر کردن وکاملتر کردن استودیوی خود ازهیچگونه تلاش و خرجی خودداری ننمودند بطوریکه با اینکه مقدار زیادی از وسائل فنی مختلفی که سفارش داده بودند وارد شده بازهم مقدار دیگری یا درین راه ویا در مبداء میباشد که امید وارند بهمین زودیها واردشده واستودیو را بیش ازپیش تکمیل سازد .

بالاخره پس از اینکه بکار های استودیو سر وصورتی دادند و توانستند آنرا تاحدی آماده سازند اولین فیلم خود «مشهدی عباد» را با شرکت معصومه خاکیار ، فتانه ، تفکری وعلی تابش شروع

غیرت !..

تعریف میکنند که پدر مریلین مونرو از اینکه او با جرج رئیس بچه‌های محله زیاد رفت وآمد میکند بسیارعصبانی بودو چندین باراورا تهدید کرده بود که اگر جرج رابخانه راه دهد در دم او را بقتل خواهد رسانید تا اینکه روزی از اطاق مریلین صدای نجوائی شنید . هفت تیرش را برداشت وبسراغ آنهارفت مریلین نیمه برهنه درآغوش جوان ورزشکاری بود و چون پدرش را دید بدون اینکه دستپاچه شود گفت: باباجون ، عصبانی نشو .جورج رفت ، این جوان مارتی است! پدر غیرتمند نفسی براحت کشیدو ازاطاق بیرون رفت!

استودیو ...

بقیه از صفحه مقابل

بهمین مناسبت تصمیم میگیرد که مقداری جواهر خریده و آن ها را از مرز خارج کرده و چندین برابر قیمت خریداری شده بفروش رساند وبدینوسیله سودی سرشار بکیسه پرنشدنی خودبریزد.

این مختصری از سناریوی فیلم «میلیونر» بود که توسط معزالدیوان فکری نگاشته شده وچنانچه گفته شدتوسط مهندس بدیع دراستودیوی عصرطلائی فیلمبرداری میشود.

البته بطوری که ازسناریوی آن بر می‌آید نکات انتقادی در فیلم گنجانیده شده که باید بطور زنده روی پرده سینما

صحنه‌ای از فیلم کمدی « میلیونر » که در آن تقریباً تمام بازیکنان اصلی فیلم حضور دارند ، مخصوصاً تفکری که ...!

او تصمیم می گیرد که از راه جنگل بعنوان شکارچی این عمل قاچاق را انجام دهد و تا براین‌چون خودش‌آدم ترسوئی است فکر میکند که بهتر است جوان گردن کلفت و ورزشکاری استخدام نماید تا بدینوسیله محافظ خوبی داشته باشد، البته منظور او این بود که جریان کاررا بآن محافظ خود هم بروز ندهد وفقط‌او را بعنوان کمك بهمراهی‌خود ببرد. بهمین منظور در روزنامه ها آگهی می کند و بالاخره شخص مورد نظر راکه جوانی خوش اندام بنام «منوچهر» است‌استخدام می‌نماید و باتفاق نوکر ونامزد منوچهر بصوب مقصد رهسپار می‌شوند.

باغبان « زردوست » که شخص با ایمانی است از نقشه‌ارباب‌خود مطلع‌شده وجریان را بمقامات صلاحیتدار گزارش می‌دهد و مسافرین مذکور دستگیر می گردند و..

مشاهده گردد ودر آن موقع می‌توان نتیجه گیری اجتماعی کاملی ازآن کرد.

هنر پیشگان این فیلم عبارتنداز :

تفکری در نقش‌زردوست،هامازاسب (قهرمان زیبائی اندام که در عالم هنر- پیشگی‌قدم گذارده)دررل‌منوچهر محافظ. خانم نا شناس که هنوز نام او در فیلم معلوم نیست دررل مهری نامزد منوچهر. کربیی نوکر زر دوست ، خشایار رئیس دزد ها ...

دکورهای فیلم از قویدل ومدیریت فنی آن باجلال مغازه‌ای است .

تهیه کننده فیلم کردوانی می‌باشدو ونسیمیان نیزدرتهیه‌وسائل باایشان‌همکاری می کند .

آهنگهائی برای فیلم درنظر گرفته شده که هنوز معلوم نیست بکدام یك از آهنگسازان‌واز گذار گردد.

فیلم میلیونرتااوایل سال‌آینده‌برای نمایش حاضرخواهد شد .

معجزه سینما

فیلمهائی که در زیر نام می بریم ، محصولاتی هستند که شاید بتوان گفت کمپانی های‌فیلمبرداری‌هالیوودرا ازخطر ورشکستگی نجات داده ودو باره سیل دلار را بصندوقهای‌کمپانی‌هاجاری‌ساخته اند . این لیست نسبت بفهرست سال ۱۹۵۲ خیلی‌بهتر وبیشتر باعث‌امیدواری است‌مثلا اولین فیلم این‌لیست رکورد پرفروش ترین فیلم‌های جهان را (برباد- رفته که سی میلیون دلار فروش داشت) شکسته ودرعرض دو ماه که فقط در ۵۷ سینما نشان داده شده بیش ازبیست‌میلیون دلار درآمد داشته است .

یك‌نظر کلی براین‌لیست نشان‌میدهد که‌فیلمهای‌تاریخی ، موزیکال و قهرمانی بیش از سایر فیلم‌ها در آمریکا خواهان داردوروی همین اصل کمپانیهای هالیوود امسال برنامه های خود را بر اساس‌همین سیاست تنظیم کرده اند .

اینك‌فیلمهائی که‌درسال۱۹۵۳ ویك ماه‌اول‌سال۱۹۵٤ قهرمان‌شده‌اندنام‌میبریم:

۱ - خرقه (سینما سکوپ- رنگی) ۲۰ میلیون دلار - فوکس قرن بیستم.

۲ - از اینجاتاابدیت-۱۲میلیون ونیم دلار -کلمبیا

۳ - شین (رنگی) ۸ میلیون دلار - پارامونت .

٤ -چگونه با یك میلیونر میتوان ازدواج کرد (سینماسکوپ-رنگی) ۷ میلیون ونیم دلار -فوکس‌قرن‌بیستم.

۵-پیترپن(مولتی‌پلیکاسیون-رنگی) ۷ میلیون‌دلار -والت‌دیسنی.

٦ - هانس کریستین آندرسن(رنگی) ٦ میلیون دلار - آر.ك.او.

۷ - خانه‌مومی (سه بعدی- رنگی) ۵ر۵ میلیون‌دلار-برادران‌وارنر .

۸ - موگامبو(رنگی) ۵ میلیون و۲۰۰ هزار دلار - مترو گلدوین‌مایر.

۹ - آقایان موطلائی ها را می - پسندند (رنگی) ۵ میلیون و ۱۰۰ هزار دلار - فوکس‌قرن بیستم .

۱۰ - مولن‌روژ (رنگی) ۵۰میلیون دلار - یونایتد آرتیست .

عالیترین اثر هنری سال

اتوبوسی بنام هوس

شاهکار تنسی ویلیامز - ترجمه ایرج نوراني

در کتابفروشیهای معتبر

فیلمهائی که در تهران نمایش خواهند داد

بابك ساسان

سینما دیانا

بذله گو

محصول ۱۹۵۰ کارخانه کلمبیا. هنرپیشگان: **جك کارسون . لولا آلبرایت. جین والاس.** نمایشنامه از: فرانك تاشلین اقتباس از داستانی بقلم «روی هو-گینز» تهیه کننده: **سیلون سیمون .** رژیسور: **للویدبیکن .**

نوع فیلم: کمدی و پلیسی که تاکنون نظیر آن زیاد تهیه شده است. روی هو گینز مولف داستان اصلی از نویسندگان مشهور پلیسی آمریکاست این تنها فیلمی است که جك کارسون در کمپانی کلمبیا بازی کرده است.

سینما ایران

کاروزوی کبیر

محصول ۱۹۵۲ کارخانه مترو گلدوین مایر. رنگی . هنرپیشگان: **ماریولانزا . آن بلایت . دوروتی کرستن . یارمیلا نووتنا. بلانش تبوم** نمایشنامه از: سونیالوبن و ویلیام لودویك اقتباس از کتاب شرح حال «کاروزو» بقلم زنش «دوروتی کاروزو» . تهیه کننده: **جوپا سترناك** . رژیسور: **ریچارد توزپ .**

آن قهرمانان افسانه‌ای مثل شهرزاد، علی بابا و سند باد بحری هر کدام دلی دارند .

نوع فیلم: فیلم موزیکالی که از شرح زندگی اپراخوان بزرك ایتالیائی انریکو کاروزو تهیه شده و در تمام دنیا با موفقیت زیادی روبرو گردیده است .

«کاروزو» بسال ۱۹۱۲ فوت کرد و نظیر او تاکنون پا بعرصهٔ وجود نگذارده است . بطوریکه گفته میشود ماریولانزا دل کاروزو را بخوبی ایفا کرده است.

سینما رکس

دالاس

محصول ۱۵۹۰ کارخانه برادران وارنر رنگی . هنرپیشگان: **گاری کوپر. روت رومن. استیو کوکران.. رایموند ماسی. باربارا پیتون** نمایشنامه از: جان تویست. آهنگساز: **ماکس اشتاینر** رژیسور: **استوارت هیزلر .**

نوع فیلم: درام قهرمانی از زندگی گاوچرانان امریکائی در قرن گذشته و مبارزات دائمی بین راهزنان و اهالی دهات .

سینما متروپل

دزد دمشق

محصول ۱۹۵۲ کارخانه کلمبیا . تمام رنگی . هنرپیشگان: **پل هنرید. جان ساتن . جف دانل . لون چانی** نمایشنامه از: رابرت کنت . تهیه کننده **سام کاتزمن** . رژیسور: **ویل جاسون.**

نوع فیلم: شرقی و پرحادثه که در آن قهرمانان افسانه‌ای مثل شهرزاد، علی بابا و سند باد بحری هر کدام دلی دارند .

«دیانادورز» بافیلم معروف (شهرالماس) بعالم سینما راه یافت و در مدتی کوتاه بقدری عشوه گری کرد و دلبری فروخت که اکنون سینمای انگلستان بوجود او افتخار میکند. چه افتخاری از این بالاتر که ستاره سینمای کشوری اینقدر خوشگل و طناز باشد !

نسبت بفیلمهای ایرانی چه نظری دارید؟

هرماه یك یادو فیلم ایرانی در سینماهای تهران بمعرض نمایش گذارده میشود. در بین تماشاچیان ازهرصنف وطبقه عقاید گوناگونی در باره این فیلمها بنظرمیرسد. ما این عقاید و نظریات را بمسابقه میگذاریم واز عموم خوانندگان عزیزخود انتظارداریم که دراین مسابقه اجتماعی شرکت جویند، علت خوش آمدن یا بد آمدن، صحت یا نقص و بالاخره همه چیز اینگونه فیلمهارا و این که چه باید کرد تادرآینده سینمای ملی ما بمنتهای عظمت خودبرسدبرای ما بنویسندو همراه باسه ریال تمبر باطل نشده به دایره مسابقات ارسال دارندودرعوض بسه جوابی که بانظر هیئت تحریریه بهترین جوابها شناخته شوندبترتیب یکسال، شش ماه، و سه ماه مجله تقدیم میداریم، مشروط براین که مطلب ارسالی ازیك ستون مجله تجاوز نکند.

پاسخهای رسیده بنوبت بچاپ خواهدرسید مدت این مسابقه سه ماه است.

تحول سینمائی...

بقیه ازصفحه ۹

در ایتالیا مشغول تهیه چند فیلم بقرار زیر میباشند:

«کورنل وایلد» در فیلم قهرمانی «ستاره هندی». «کرك دوگلاس» با «سیلوانامنگانو» درفیلمی که «سیلوانا» سه نقش مختلف را دارد بازی میکند، بنام «اولیس» - «لیندا دارنل» در فیلم «زن ممنوع شده». «جون بنت» در فیلم «طوفان نیل» - «فارلی گرنجر» و «والی» در فیلم «گردباد تابستان» و «ارول فلین» نیزقرار است درفیلمی از نوع «سینما سکوپ» ظاهر گردد که «انتونلالو آلدی» هنرپیشه جوان ایتالیائی در این فیلم دل معشوقه وی را عهده دار است.

امامهم اینجاست که تهیه و نمایش فیلمهای آمریکائی باعث شده اساس سینمای ایتالیا که پایهٔ آن بر روی رئالیسم استوارشده بود متلاشی گردیده و کم کم عشق وجاذبه جنسی جای آنرا بگیرد و البته ایتالیائیها استعداد آنرا نیزدارند زیرا هنرپیشگانی مانند «سیلوانا منگانو» و لولوبریجیدا و «سیلوانا پامپا نینی» وغیره علاوه بر زیبائی خیره کننده، باندازهٔ کافی هنرمند نیز هستند وبطورکلی میتوان گفت اهالی ایتالیا هنرپیشه بالفطره هستند. چندی پیش که «مارتاتورن» مشغول بازی درفیلم «ماگدالنا» بود احتیاج بچندتن هنرپیشه مرد وزن درجه دوم پیداشد که از اهل محل استفاده نمودند. بعداز پایان فیلم مارتا «تورن» اظهار داشت:

«واقعاً این امر غیر قابل تصوراست زیرا باوجود اینکه اینها، هیچ نوع تجربه ای ندارند رلهای مشکل را به این خوبی بازی میکنند!» در جواب «مارتاتورن»، «روبرتوروسیلینی» گفت که این رازموفقیت ماست «تمام ایتالیائیها هنرپیشگان بزرگی هستند!»

ازخوانندگان سئوال میکنیم!

۱ — برندهٔ جایزهٔ اسکاردرزن سال ۱۹۴۲ چه کسی بود؟

۲ — هنرپیشه زن فیلم دون ژوآن چه نامداشت؟.

۳ — فیلم روشنی های شهردرچه سالی تهیه شد؟.

۴ — شوهر الیزابت تیلور کیست؟.

۵ — پنج فیلم از گریگوری پك نام ببرید.

پاسخ درشماره بعد

صفحه خوانندگان

ازشماره بعد، صفحه ای بنام «پاسخ نامه های خوانندگان» در مجله افتتاح خواهدشد. ازخوانندگان عزیزی که باین مجله علاقه دارند ومایلند که روزبروز پیشرفت کند تقاضاداریم هرنوع انتقادی نسبت به مطالب وسبك مجله دارند، برای ما بنویسندومطمئن باشند که به عقاید آنها احترام خواهیم گذاردودر بهتر کردن مجله کوشاخواهیم بود. در ضمن چنانچه سئوالی در حدود مطالب مجله وامورسینمائی دارید، از ما بپرسید.

باکمال میل پاسخ شمارا به صحیح ترین وجهی بنوبت درج خواهیم کرد وامیدواریم که سئوالات شما همیشه جنبه کلی داشته و برای کلیه خوانندگان سودمندباشد. اگراحیانا پاسخی خصوصی خواستید در نامه خود مرقوم فرمائید که بآدرس شما فرستاده شود. درصورت تمایل، نامه شما رابا امضای مستعارتان پاسخ خواهیم گفت.

این «دوشیزه زیبا!» چه نامدارد

آیا این «دلبرفتانی!» راکه بااین همه نازوکرشمه بوسه میدهد میشناسید؟ مثل این که خیلی مشکل است!! ولی خوب چه باید کردمسابقه است قدری فکر کنید! اورا بشناسیدونامش را همراه بادوریال تمبر باطل نشده بآدرس مجله دایره مسابقات بفرستید تادرعوض بحکم قرعه شش جایزه دوماهه مجله بخوانندگان عزیز تقدیم داریم

چاپخانه گهر
خیابان سعدی
کوچه دکتر بهرامی

در راه آینده...

بنام نامی ملت ایران و به امید استعانت و یاری از دوستداران هنر سینما ، اولین شماره نامه دوهفتگی ستاره سینما، را منتشر میکنیم.

با انتشار این شماره وظیفه بسیار مهم و حساسی را بعهده میگیریم . باعلم باینکه ستاره سینما، از هر حیث قابل انتقاد است و عیوب فراوانی نیز در آن مشاهده میگردد مع الوصف کار خویش را شروع میکنیم و امیدواریم بتوانیم در هر شماره ئی که نشر میدهیم از نقائص بکاهیم و برزیبائی و مفید بودن مطالب آن بیفزائیم و بالاخره ستاره سینما را بشکل یك مجله دوست داشتنی و محبوب در آوریم .

اگر منحنی تغییرات علاقه مردم را به سینما در سالهای اخیر ترسیم کنیم می بینیم، که در این اواخر بطرز سرسام آوری رو بصعود است . اگر در ۱۳۲۰ سالیانه فقط ششصد هزار نفر به سینما میرفتند ، امروزه بیش از هفت میلیون نفر به سالن های سینماها هجوم می آورند .

مسلما بین این گروه، هستند کسانی که سینما را برای سرگرمی نمیخواهند ، هستند آنهائی که تماشای یك فیلم خوب و آموزنده را با دیدن جنك بین دو خروس فرق میگذارند . بالاخره کسانی هم پیدا میشوند که میخواهند سینما را آنطور که باید باشد به بینند نه آنطور که هست. اینها هستند که هسته اصلی دوستداران نشریات سینمائی را در ایران فراهم میکنند .

برای آنکه بتوان این علاقه را اقناع نمود و دیگران را هم با نشان دادن راه صحیح و منطقی و با انتقادی درست و بجا رهنمون گردید باید به خواست های آنها گوش فرا داد. اینست آنچه که امروز هر هنرمند و نویسنده، بخصوص نویسندگان سینمائی باید در نظر بگیرند .

تا بحال در هیچیك از مقالات سینمائی یك فیلم ، بدرستی و آنطور که باید معرفی نشده، عوامل موثر در تهیه یك فیلم بخوبی نشان داده نشده اند، و هنوز اکثر سینما روندگان تصور میکنند که فقط آرتیست است که فیلم را می آفریند !.

انتقاد بجا و آموزنده را از فیلمها کمتر دیده ایم و بیشتر منتقدین محو بازی فلان هنرپیشه و یا یك منظره زودگذر و یا دیگر جنبه های فیلم که در درجه چندم قرار دارد شده اند و تاکنون به سوژه فیلم ، به موضوع آن، به آنچه که بیش از هر چیز در فکر و دماغ بیننده امپرسیون میگذارد توجه نشده است .

هدفهای شخصی و سیاسی را در انتقادها بیشتر دیده ایم بعضی دیگر از آنهائی که اسم خود را منتقد سینمائی، گذاشته اند فکر میکنند که اگر مجلات آمریکائی یك فیلم را خوب معرفی کردند ما هم باید آنرا عالی بدانیم !

باید دانست که این مطالب تنها در باره فیلمهای خارجی صدق نمیکند ، بلکه محصولات بومی ما ، آنچه که در میهن خودمان هم تهیه میشود ، از این قاعده مستثنی نیست . با این فرق که باید نواقص بیشمار دیگری را هم بآن افزود . این طور مستفاد شده است که ما قادر بساختن فیلم حسابی ، نیستیم این ایده بسیار خطرناك و موحش است .

باید جداعلیه آن مبارزه نمود و عواملی را که باعث این انحطاط فکری میشوند و با تهیه آثار بنجل و بی ارزشی ، سطح هنری سینمای ایران را پائین می آورند رسوا ساخت هنرمندان واقعی را تشویق و بی هنران را طرد نمود .

باید مسئله بغرنج چگونگی تهیه یك فیلم را بسادگی حل نمود . باید به سازندگان فیلم فهماند که ما در سال ۱۹۲۰ بسر نمیبریم ، بلکه چند صباحی پیش سال ۱۹۵۳ را پشت سر گذاشتیم.

بزودی فیلمهای برجسته (سه بعدی) گوناگون چون سینه راما و سینما سکوپ صنعت سینمای بومی ما را مضمحل و نابود خواهد ساخت در حالیکه بود با آن همه عظمت بیش از هشت استودیو فیلم برداری بزرك نیست ، در حالیکه در کشور ما ، هم اکنون بیش از سی و پنج استودیو ثبت شده و نشده وجود دارد که هیچکدام هم قادر بساختن یك فیلم حسابی نیستند !

سخن کوتاه کنیم .

یکبار دیگر دست استعانت بسوی خوانندگان، علاقمندان و همه دوستداران فرهنك و هنر سینما دراز میکنیم ، میخواهیم که ما را در این راه دشوار و خطیر تنها نگذارند و با انتقادهای دقیق و موثر خویش که با نشان دادن راه عملی و صحیح توام باشد ما را راهنمائی نمایند . آنچه که بنظرشان مفید میرسد از ما بخواهند تا در صورت امکان انجام دهیم .

صفحات ستاره سینما ، به کسانی تعلق دارد که با اجتماع خویش سروکار داشته باشند و خویشتن را از آن جدا تصور ننمایند و مطلب سینمائی را فقط بخاطر سینما ننویسند. در همه حال مردم را در نظر گیرند. امروز ، در جهان نو ، هنرمندی قابل احترام است که از هنر خود در راه شناساندن محیط خویش و برجسته نمودن عیوب آن بکوشد . هنرمندی قابل ستایش است که هنر خویش را نفروشد و بخاطر بدست آوردن ریالی چند، برعکس آنچه که میل باطنی اوست گامی برندارد . ما نیز به چنین کسی ارج می گذاریم و صفحات مجله را در اختیار او قرار میدهیم . .

با مطالعه مطالب این شماره، شاید ظاهراً تناقضی بین آنچه که گفته شد و آنچه که هم اکنون در دسترس است دیده شود ، ولی اینطور نیست . وقتی فیلمی معرفی میشود ، فقط مشخصات آنرا برای آگاهی بیشتر خوانندگان ذکر میکنیم و هرگز عقیده خود را راجع به آن نمی گوئیم و آنرا به صفحه انتقاد محول مینمائیم . اگر هنرپیشه ئی مورد بحث واقع میشود ، به آن معنی نیست که گفته شود چه لحظه و یا با چه حالتی بدنیا آمده است بلکه منظور اینست که نکات برجسته زندگانی او ، آنقسمتی که ممکن است در ترقی اش موثر افتاده باشد برای سهولت کار آنهائی که میخواهند در این راه گام گذارند ، گفته شود و بالاخره اگر از فیلمهای ساخت هالیوود بیشتر

بقیه در صفحه ۲۳

آگهی

ستاره سینما

زیر نظر شورای نویسندگان

محل اداره : شاه آباد - جنب چاپخانه مسعود سعد - اشکوب دوم

شماره اول - چهارشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۳۲

هر دو هفته یکبار روزهای چهارشنبه منتشر می شود - اشتراك سالیانه ۱۵۰ ریال

هوندو

(HONDO)

بازیکنان :جان‌وین (هوندو) ـ جرالدین پیج (آنجی) مایکل پیت (ویتوریو) ـ جیمز آرنس (لنی) ـ محصول سال ۱۵۹۳ کمپانی برادران وارنر ـ رنگی ، سه بعدی ـ تهیه کننده : رابرت فلوز ـ کارگردان : جان فارو

اگردوباره‌سرخ پوستان قبیله آپاچی خودرا آماده جنك وخونریزی کرده‌بودند تقصیر سفید پوستان ناحیه جنوب غربی آمریکا بود که دراثر حرص‌وطمع باعث تحریك سرخ‌پوستان شده‌و آنهانیزپاسخی جزجنك ونبردنداشتند ، نبردی که‌پایان آنرا میشد حدس زد : هزاران نفر کشته وزخمی وچندشهر ویران‌و دست آویزی برای نزاعهای بعدی ..

روزیکه «هوندولین» باسك وزین اسب خود بمزرعه‌ای که در میان دره‌ای واقع شده بود ، نزدیك میگردید ،ازدور صدای طبل جنك سرخ‌پوستان شنیده میشد این صدادل قوی‌ترین وشجاع ترین‌مردان را بلرزه درمیاورد ، اما هوندو خونسرد بود . او سرخ‌پوستان راخوب میشناخت.

وقتیکه بچوب بست اطراف طویله نزدیك میشد ، مشاهده‌کرد که زن‌جوان وزیبائی پشت چوب‌بست ایستاده است . درکنار او پسر کوچکی باچشمان کنجکاو خود او را مینگریست . هوندو خسته و درمانده نزدیك شد . کلاه‌پر گردوخاکش را برداشت و گفت :

ـصبح بخیرخانم ، چندروزقبل‌موقعی که ازدست عده‌ای‌سرخ‌پوست‌فرارمیکردم اسبم از فرط عطش وخستگی تلف شد . دیشب را گرسنه‌در بیابان گذرانیدم تا اینکه سگم باشامه قوی خود وجود عده ای سرخ را دراین نزدیکی بمن اطلاع داد . اینك بشما پناهنده شده‌ام.

زن جوان گفت :

ـما با سرخ پوستان‌سرجنك نداریم. قرار صلح ما باآنها ...

«هوندو» درحالیکه ازیکی بدو با زن جوان احتراز میکرد ، گفت :

ـالبته ،حالامن باید اسب جدیدی بدست آورم . من قاصد ژنرال کروك هستم واسم لین میباشد .

زن گفت :

ـاسم‌من«آنجی» وهمسر مستر(لو) هستم . چند اسب‌وحشی ودواسب‌مجروح دارم زیراکسی که اسبها را تربیت میکرد ، سخت مریض‌شده است.

سپس برای هوندو تعریف کرد که شوهرش برای‌سرکشی به‌رمه‌ای بمیان‌تپه ها رفته وباو پیشنهاد کرداگر میل دارد می‌تواند یکی‌از اسبهای وحشی را رام کند . بعدوارد آشپزخانه شد تا غذائی برای او تهیه کند . پسر کوچك که‌آنجی اورا «جانی»صدا میکرد ، با چشمان پر از تعجب درکنار طویله ایستاده‌وبعملیات هوندو نگاه میکرد هوندو سوار اسب وحشی شد و پس از نیمساعت مبارزه بالاخره توانست اورا رام‌کند .بعد وارد خانه‌شد و باتفاق آنجی‌و جانی غذاخورد وباز بسراغ است رفت .

مدتی بعد آنجی تیری باو داد که هیزم برای آتش شب بشکند و هوندو

تبر بیش از اندازه کند بود

متوجه شد که تبر بسیار کند است بعدوارد طویله شد که اسبها رانعلبندی کند ودید که‌نعل اسب‌ها مدتها ست سائیده شده و شاید دیگر اثری ازنعل اصلی وجود ندارد . در اینوقت آنجی باو نزدیك شد و گفت : گمان میکنم شوهرم امشب نتواند بخانه بیاید و فردا صبح مراجعت کند .

هوندو سرش رابلندکردو گفت :

ـخانم(لو)شما زن دروغگوئی‌هستید زیرا سائیدگی سم اسب ها و کندی تبر نشان میدهدکه شوهر شما مدتهاست پا باین خانه نگذارده است لابد میترسیدید که من بشما اذیتی برسانم ، نه ؟ !

آنجی از فرط خجالت وغضب سرخ شدو گفت : تقریبا ...

هوندو با لبخند تمسخر بازی گفت : زنهاهمیشه خیال میکنند هر مردی که‌باآنها نزدیك‌میشود ، میخواهد آنهارا تصاحب کند ، مخصوصا ـ سرش را تکان داد ـ زنیکه مثل شما تك وتنها دربیابان‌مخوفی خانه‌داشته باشد .

آنجی آهی کشید ودر حالیکه نگاه پیرنك خود را بافق خونین دوخته‌بود ، زیر لب گفت :

ـآری‌دروغ گفتم. شوهرمن‌میبایستی مدتها پیش بخانه مراجعت میکرد...

ـلابد سرخ‌پوستان‌اورا کشتند؟

ـنه،زیرا ماباسرخ پوستان در حال صلح هستیم ،فقط چندنفری‌ازآنها...

هوندو حرف اورا قطع کرد : خانم عزیز ، اگر زن عاقلی باشید همین الان اسبابهای خودرا جمع کرده و همراه من خواهیدآمد زیرا «ویتوریو »رئیس‌قبیله آپاچی دوباره سرجنك دارد...

آنجی گفت :

ـولی ماکه باآنهادرصلح وصفابسر میبریم . بعضی اوقات اسبهای خود رادر

بقیه در صفحه مقابل

«شرلی برومفیلد» یکی ازستارگان زیبای سینمای انگلستان میباشد که‌فقط پس از بازی در دو فیلم شهرتی همپایه هنرپیشگان بزرك انگلستان پیدا کرده است ...

خوب نگاه کنید ، مثل اینکه حق دارد ... !

هوندو

بقیه از صفحه مقابل

چشمه نزدیك منزل ما سیراب میکنند.

هوندو لبخند تلخی زد و گفت : تمام اینها درست ، اما عده‌ای از سفید پوستان خیانت کرده و در نتیجه قرار داد صلح با سرخ پوستان اکنون ورق پاره‌ای بیش نیست ، خودم ، ویتوریو را دیدم که سر بریده بیست نفر سفید پوست را بساسبش آویزان کرده بود ..

آنجی زن شجاع و مصمی بود که بزودی و بآسانی ترس باو راه نیافت . هوندو پس از صحبت های فراوان باین نتیجه رسید که وی هرگز خانه و مزرعه خود را رها نکرده و همراه او فرار نخواهد کرد و تصدیق کرد که هر کس هم جای او بود همین کار را میکرد زیرا خانه و کاشانه ای را که انسان سالهای متمادی در آن گذرانیده بزودی نمی‌توان ترك کرد و اضافه نمود : من خودم از یکطرف سرخ پوست هستم و مانند آنها بسرزمین آباء واجدادیم علاقه دارم . من مانند آنها از رایحه بدن اشخاص بی بنوع و طرز کار آنها میبرم . مثلا میدانم که شما امروز نان پخته و رخت شسته اید .

اما در ماورای این روایح ، رایحه مخصوص زنان را نیز از بدن شما استشمام میکنم چون ...

آنجی لحظه ای بچشمان او نظر دوخت و بعد گفت :

–بهتر است بکلبه مراجعت کنم.

وقتیکه شب فرا رسید باد شروع بوزیدن کرد . هوندو پس از خوراك دادن اسبها وارد کلبه شد و در گوشه‌ای از آن روی پتوئی که آنجی برای او گسترده بود ، دراز کشید آنجی و جانی پهلوی هم روی تختخواب چوبی کهنه ای خوابیده بودند .

هوندو طپانچه اش را در دست گرفت و چند لحظه بعد از فرط خستگی بخواب رفت . نزدیك سحر آنجی از جا برخاست تا برای صبحانه چیزی تهیه کند و موقعیکه داشت قهوه جوش را روی اجاق میگذاشت غفلتا چشمش بزین اسب هوندو افتاد ، بزین پلاك زرد رنگی متصل بود که بزحمت این خطوط روی آن خوانده میشد:

« هوندولین » برنده جائزه اول رام کردن اسب ..

هوندو ناگهان از صدای پای آنجی از جا جست و میخواست طپانچه اش را بسوی او برگرداند که آنجی با مهارت بیشتری یك طپانچه از غلافی که بدیوار آویزان بود ، بیرون کشید و بسوی او نشانه رفت و با لحنی تند گفت :

–تو هوندوی معروف هستی که سال قبل سه نفر را کشتی !

هوندو با آهستگی گفت : آری..

و بسرعت خودش را بطرف آنجی انداخت که طپانچه را از او بگیرد..

آنجی انگشتش را روی ماشه فشار داد ... بجز صدای خشکی ، سکوت اطاق را چیز دیگری ، مثل انفجار یك گلوله ، بهم نزد .. طپانچه خالی بود .

هوندو گفت : وقتی گلوله در طپانچه نیست بهتر است کسی را با آن تهدید نکنید .

آنجی گفت : من بخاطر اینکه مبادا جانی خود را با آن مجروح سازد ، مخصوصا آنرا همیشه باین صوت نگاهمیدارم.

هوندو طپانچه را پر کرد و آن را در غلافش گذارد و در نقطه بلندی آویزان کرد و گفت :

–با این وسیله ، دست جانی بآن نخواهد رسید و اگر روزی سرخ پوستان بخواهند بشما حمله کنند ، میتوانید در یك چشم بهم زدن آن را بردارید .

سپس خواست از اطاق خارج شود اما آنجی دست او را گرفت و گفت :

- حالا فهمیدم که شما شخص جنتلمنی هستید .

هوندو گفت : جنتلمن ؟ عجب!.

سپس روی پتو دراز کشید و دوباره بخواب رفت .

نا تمام

این مجله آگهی میپذیرد
آگهی های خود را بما بدهید

فصل بیچاره

بقیه از صفحه ۷

دختری که همه اش در عالم خیال و رؤیا بسر میبرد بسیار جالب است .

پل هنریدد در اصل اطریشی است و در تربیت بدنیا آمده است . در بحبوبه قدرت نازیسم در اطریش در نمایشات ضد آلمانی ظاهر میشد و همین باعث گردید که از اطریش اخراج شود . از آن زمان تا کنون در فیلم های سینما ، همیشه دارای دل حساسی بوده است .

وی در فیلم « نسل بیچاره » در نقش دکتر جیسون پزشك امراض روحی ، ظاهر میشود چهار دختری هم که دل های مهم فیلم را داراهستند مکی فیلا در برودوی کار میکردند و هنگامی که کارخانه یونایتد آرتیست آگهی استخدام چهار دو شیزه را برای شرکت در فیلم فوق نموده بیش از چهار صد نفر اسم نویسی نمودند از میان آنها همین چهار نفر برای ایفای نقش دختران گمراه انتخاب گردیدند .

تهیه کنندگان فیلم : ادوارددان زیگرو و لی دان زیگرو رژیسور فیلم نیز برنارد ورهوس میباشد . موضوع فیلم توسط دو نفر ژان دورول و برنارد ـ ورهوس تنظیم و برای فیلم آماده گردیده است . موزیك فیلم هم از روبرت استرینگر میباشد .

مدت نمایش این فیلم بدون ترجمه نودو یك دقیقه است .

آینده سینما

بقیه از صفحه ٦

از فیلمهای اسکات بریدی تا کنون در ایران پناهگاه زیرزمینی و دختری که غرب را فتح میکند نشانداده‌اند .

۸ – **پی یر آنجلی** ـ اصلا یك هنرپیشه ایتالیائی میباشد و مدت کوتاهی است که در آمریکا بسر میبرد ولی با بازی هنرمندانه خود در چند فیلم توانسته است جای خود را در دل علاقمندان باز کند . پی یر آنجلی تحصیلاتش در رشته نقاشی است و هیچگاه فکر هنرپیشه شدن نداشت تا اینکه برای اولین مرتبه لئونیدموگی او را برای بازی در فیلم فردا خیلی دیر است دعوت کرد و بعد از این فیلم بود که کارخانه متروقرار ـ دادی با او منعقد نمود پی یر آنجلی تا کنون در شش فیلم امریکائی بازی کرده است که از میان آنها میتوان ترزا و داستان سه عشق و سایه روشن را نامبرد از فیلمهای پی یر آنجلی هنوز در ایران فیلمی نشان داده نشده است .

۹ – **جاك پالنس** ـ در مورد جاك پالنس موضوع قابل توجه اینست که وی هنوز چند صباحی بیش نیست که در فیلمها بازی میکند داستان زندگی او عجیب و در ضمن پر حادثه است مدتی بعنوان کارگر معدن ذغال و بعد چندی بوکسور حرفه‌ای بود تا اینکه در جنك دوم جهانی خلبان هواپیما گردید پس از آنکه زخمی گردید او را از خدمت معاف کردند جاك پالنس بعدا مدتی نویسنده شد و بالاخره آخرین شغل وی تحصیل در رشته رادیو بود تا اینکه قیافه و هیکل مردانه او توجه مدیران کارخانه‌ها را بخود جلب و برای بازی در فیلم از او دعوت بعمل آوردند.

انتقادی بفیلمهای دو هفته اخیر

م: داور

سینما دیانا — فیلمی که در این سینما نشان میدهند، (محکوم) نام دارد.

این فیلم محصول کارخانه فیلمبرداری کلمبیا و هنرپیشگان مهم آن عبارتنداز: گلن فورد، برودریك کرافورد، دروتی مالون و میلاردمیچل. داستان فیلم حکایت جوانی است که در حین مستی، پسر میلیونری را تصادفا بقتل میرساند و پس از محاکمه به ده سال حبس محکوم میگردد.

پس از مدتی دادستانی که او را محکوم نموده بود، شغل دیگری پیدامیکند که عبارت باشد از ریاست زندان. چون رئیس زندان می داند که عمل قتل عمدی نبوده است میکوشد ده سال زندان را به پنج سال تقلیل دهد. تا اینجاموضوع فیلم عادی بنظر میرسد و از این لحظه ببعد آنچه درفیلم دیده میشود باآنچه که در اجتماع کنونی دنیا هست و حتی با آنچه که قبلا در فیلمهای آمریکائی نشان میداده اند تفاوت کلی دارد.

زندانی که اگر بخواهد پای را از چهار دیواری زندان بیرون گذارد، (باران مسلسل براو میبارد)، رئیس زندان یکدست لباس شیك بتن او می پوشاندو دست آخرهم عالی جناب راشوفرمخصوص دختر خویش مینماید!

آنهائی هم که (محکوم) را ندیده اند می توانند حدس بزنند که کار این دو نفر سر انجام بمعاشقه و ازدواج خواهد کشید و گروهی هم تصور فرار بفکرشان خطور می کند. درصورتیکه چنین نیست و محکوم هرروز خویشتن را بزندان معرفی میکند. این محکوم که اسمش (جو) است تنها نیست بلکه عده دیگری از زندانیها را بعناوین آشپز، سلمانی، و.. بکار می گمارند که آنطور که فیلم نشان میدهد صحیح نیست. ولی ماوراء تمام این حرفها، نکاتی مثبت هم در فیلم دیده می شود. ازجمله می توان حس همدردی عجیبی که در زندان ها بین زندانیان حکمفرما ست نام برد.

زندانیان بعلت جاسوسی و خیانتی که یکی اززندانیان می نماید یعنی (حرفهای زندانیان را برئیس زندان گزارش میدهد) تصمیم می گیرند اورااز بین ببرند و پس از انجام امر، رئیس ومسئولین زندان موفق نمیشوند نام قاتل راازدهان زندانیان بشنوند...

رویهمرفته (محکوم) فیلمی است که پس ازدیدن آن تماشاچی ناراحت نمی شود ولی راضی هم ازسینما بیرون نمی آید

دراین فیلم گلن فورددر نقش زندانی، برودریك کرافورددر نقش رئیس زندان، دروتی مالون دررل دختر رئیس زندان و میلاردمیچل دررل قاتل (پوتی) دیده می شوند.

سینما ایران — نقشی را که سربازان انگلیسی، فرانسوی واحیاناسپانیولی در فیلمهائی که راجع بمستعمرات تهیه می شد، داشتند اکنون بعهده سربازان آمریکائی واگذارشده است.

(طرابلس) ماجرای کوشش وتقلای هشت سرباز (فقط هشت سرباز!) آمریکائی است که باکمك اعرابی چند که (درازای هر نفر پنجاه دلارخریداری شده اند) وبکی دو کشتی، بطرابلس حمله مینمایند وبآسانی آنجارا که اهالیش علیه آمریکائیها قیام کرده اند، فتح می نمایند.

درپایان (آرتیسته) باهمان سبك قدیمی زودتر ازهمه وارد شهر شده و پرچم طرابلس را ازبالای فرمانداری بپائین میکشدو بجای آن پرچم کشورش را که درجیب مبارك حاضر وآماده دارد بربالای طرابلس باهتزاز در می آوردو فیلم بایك بوسه جانانه پایان می پذیرد.

درباره موضوع فیلم، بیش ازاین چیزی نداریم که بگوئیم و (فعلا) آنرا بهمین جا خاتمه می دهیم.

امادر مورد بقیه قسمتهای فیلم طرابلس باید گفته شود که بازی هاچندان خوب نیستند وبیشتر فیلم باحرکات آرتیست بازی جان پین می گذرد؛ رنك فیلم مانند گذشته در بیشتر صحنه ها غیرطبیعی ودکوراسیون آنهم کاملا زننده وچشم رامی زند. بخصوص صحنه های آخر فیلم که عبارت باشداز:

خراب شدن طرابلس بدست دو کشتی بخوبی مصنوعی بودن شهرو (ماکت) بودن کشتیها ملاحظه میگردد..

درفیلم تریپولی (طرابلس) جان پین درنقش افسری که شهررامیگیرد، مورین - اوهارادررل دختری (فرنگی) که درچنك امیرطرابلس اسیر است وسرانجام بجان پین میرسد، فیلیپ ریددررل پیشوای حقیقی طرابلس وهواردوسیلواهم دررل کسی که چندسرباز عرب دراختیار داردوخود وبقیه سربازان رادرازای هر نفرپنجاه دلار معامله میکند، دیده می شوند.

سینمارکس — مدتی است دراین سینما فیلمی نشان میدهند بنام (کاپیتان هوراشیو هورن بلوئر) این فیلم محصول کارخانه برادران وارنر است وهنرپیشگان مهم آن عبارتند از:

گریگوری پك و ویرجینیامایو — موضوع فیلم سرگذشت یك کشتی انگلیسی است که دردریاسرگردان است وپس از فداکاری های بیشمار بایك سلسله (افتخارات) بانگلستان مراجعت می نماید.

دراین لحظه که بنظرمی رسدفیلم بپایان رسیده، دومرتبه هنرپیشه فیلم که همان گریگوری پك باشد، عازم انهدام نیروی دریائی ناپلئون میگردد

کشتیهای ناپلئون راهم بآسانی بدون اینکه کمترین رنجی ببیند ازبین میبردودر بازگشت بعنوان پیش کشی برای نیروی دریائی انگلستان یك کشتی هم بغنیمت می گیرد.

موضوع جالب درباره فیلم (کاپیتان هوراشیو) اینست که جناب کاپیتان درسفراولش بادختری موبورآشنامیشود وبر حسب معمول بدودل می بازد ولی بعدمتوجه می شود که دارای زن وبچه است. ازطرفی (دختر) هم دارای نامزدی است که بزودی قرار است ازدواج کنند.

آنقدروقتی بآخر فیلم نمانده برای آن که اصل پایان خوش یا Happy End فیلمهای ساخت هالیود انجام شود بسرعت زن گریگوری پك را بیك طرزی ازبین میروند وشوهرویرجینیامایورا هم بشکلی دیگر بدیارعدمی فرستندو.. دو دلداده رابهم می رسانند!!

این عمل بقدری زننده است که تمام گیرندگی فیلم رااز بین می برد ولی باتمام اینها در فیلم کاپیتان هوراشیو بر عکس فیلم طرابلس (که دکورهایش قلابی بود) دکور - اسیون قوی ومحکمی دیده میشود بخصوص نبرد بین کشتی هارا بدمجسم نکرده اند..

آنهائی که بماجراهای قهرمانی وفیلمهای سراسرحادثه علاقه دارند میتوانند بدیدن این فیلم بروندو اینراهم بدانند که بعداز دیدن این فیلم ازتوپ و کشتی ودعوای بین آنها، سیرخواهندشدو آنقدر صدای توپ می شنوند که تاابدهوس فیلم (توپ دار!) نخواهند نمود.

وکیل!

از «دنی کی» پرسیدند عقیده تودر باره وکلای مجلس چیست؟

جواب داداگر وکیلی آراءمردم را باپول خود بخرد، میگویند مردمتقلب و مزوری است، اماا گر باپول مردم آراء را بدست آورد، اوراوکیل آزادیخواه و بشردوستی خواهندنامید!...

ماجرای آگهی فیلم «سالومه»

وقتیکه فیلم (سالومه) باشتراك (ریتاهیورت) و(استوارت گرنجر)را در لوس آنجلس نمایش میدادند سینمای نمایش دهنده برای پروپاگاند فیلم یك تابلوی عظیم (عکس بالا) تهیه کرد و درمحلی نزدیك سینما نصب نمود اما .. کار بهمین جاخاتمه نیافت بلکه روز بعد هیئت رئیسه (انجمن زنان خانه‌دار) شهر بدادستان شکایت کردند که این عکس مخالف عفت عمومی است و آنقدر پا فشاری کردند که ....

... بالاخره اقدامات آنها بنتیجه رسید و بدستور دادستان روی تابلو پارچه ضخیمی انداختندوقرار شد هرگاه صاحب سینما پارچه‌رابردارد،وروزی پانصددلار جریمه بپردازد ... عجب اینجا ست که صاحب سینماحاضر به‌تادیه‌جریمه‌شدچون فیلم (سالومه)درآمد زیادی‌داشت‌وبرای مدیرسینماصرف میکردروزی پانصد دلار بپردازد!این فیلم‌مدت‌چهار هفته‌در نیویورك نمایش داده شدولی دادستان‌آن شهرمثل اینکه (خوش ذوق)تر بود زیرا علی‌رغم اقدامات پیره‌زنان آن‌شهر اصلا بـه‌کار سینماهادخالت نکرد !

تبلیغات !

کمپانی مترو گلدوین مایر وقتی میخواست برای فیلم جدید خود(کیت - مرابیوس) پرو پاکاند کند فکر بکری بخاطرش رسید ،بدین‌طریق که‌درراهروی هرسینما یك‌طوطی گذاشت که مرتب‌اسم فیلم‌راتکرارمیکردند..این‌قضیه مارابیاد کمپانی پارامونت وطوطیهای آن انداخت...

چندسال قبل پارامونت میخواست برای تبلیغ فیلم جدید خودوسیله تازه‌ای بکار برد ..نشستند وگفتندو خوردند و برخاستند وبالاخره تصمیم گرفتند که بیست طوطی باهوش را تربیت کنند که مرتبا نام‌فیلم جدید را بزبان‌آورند..

متخصصین بشکاپو افتادند و پس از زحمات زیاد بیست طوطی پیدا کردند و مدت شش ماه آنها را تعلیم دادند . در همین‌موقع فیلم‌برای نمایش‌حاضرشدوطوطی هانیز آماده خدمت گردیدند اما .. فکر میکنید کمپانی پارامونت چکار کرد ؟... هیچ ... نام فیلم‌راعوض کرد!!

آگهی

این مجله که در دست گرفته و قرائت میفرمائید بوسیله ما چاپ وصحافی‌شده است . اگرمورد پسند شماست شما نیز می‌توانید کارهای مطبوعاتی‌خود یا دوستان خودرا بما مراجعه فرمائید وحتم بدانید که در انجام سفارشات‌شما نیز نهایت دقت ونظافت بکاربرده خواهد شد .

شرکت سهامی چاپ گهر - خیابان سعدی
کوچه دکتر بهرامی

در راه آینده

بقیه ازصفحه ۲

گفتگو میشود ، نباید این توهم پیش‌آید که ستاره‌سینما «هالیوود نامه‌است » ؟ زیرا باید در نظر گرفت که‌بازار سینمای ایران پر است از این‌محصولات و صدی ودوپنج فیلمهائی که‌در سال نشان‌میدهند از این گونه است ..

این بودخلاصه‌ئی‌ازآنچه که‌میتوانستیم در اولین شماره با خوانندگان ارجمند گفتگو کنیم .

بازهم دراین‌باره سخن‌خواهیم گفت.

هیئت تحریریه

دارنده‌امتیاز : حسین‌اکبرپور

خیلی جزئی!

لابد میدانید که سال گذشته بینك - گرازبی، کتابی‌درباره‌سر گذشت‌خودنوشت از بوب هوپ‌سئوال کردند: آیا بینك از فروش‌کتاب خود استفاده هم کرد ؟پاسخ داد :البته اما خیلی جزئی .. وبا پول‌آن خیال داردقطعه‌زمینی بخرد .. پرسیدند : این قطعه زمین نـامش چیست و در کجاست ؟

گفت : نام این «قطعه »زمین‌ایالت تکزاس ومحلش‌درجنوب امریکاست !!

تفسیر !

درکالیفرنیاباران زیاد میبارد‌واطاق بازرگانی درباره این پدیده طبیعی چنین اظهار عقیده کرده‌است :

(وسیله‌مجانی برای‌پر کردن استخر شنا) !...

«جری لوئیس»

عکس هفته

الیزابت تیلور

میس سادی تامپسون

ریتا هیورث در فیلم جدید خود «میس سادی‌تامپسون» غوغای تازه ای ازرقص‌وآواز براه انداخته وبقول‌بعضی هاخاطره فیلم‌معروف «گیلدا» رادوباره زنده کرده‌است.

این فیلم‌رنگی بوده‌وبطریقه «سه‌بعدی» تهیه‌شده‌است همبازی «ریتا» در فیلم فوق «خوزه‌فرر» میباشد.

مریلین مونروی جدید

اخیرا اینطور شایع شده است که بزودی «مارالین» ستاره انگلیسی جای مریلین مونرورا در عالم سینما خواهد گرفت.

«مارالین» برخلاف مریلین مونرو دارای موهای قهوه ای می‌باشد واز لحاظ جاذبه جنسی نیز ...!

تازه‌ترین اخبار سینما

بالاخره ...

بالاخره «مریلین مونرو» و «جود- پاکیو» قهرمان بیس بال آمریکاعلنا با

یکدیگر ازدواج کردند و بتمام شایعات مبنی بر اینکه آنها مخفیانه زن‌و شوهر هستند خاتمه دادند و .. دل تمام جو'نان دنیا را کباب کردند!.

پدر بزرگ و نوه !

مدتی است که «پاپیرلوری» ستاره شوخ‌وبانمك کمپانی «یونیورسال اینتر- ناشنال» سخت بدام «عشق» «لئونارد- گلدستین» افتاده وآنی‌ازاومنفك نمی- شود و هرجا که میرود مثل سایه دنبال اوست ..

میگویند چون لئونارد گلدستین نفوذش از همه تهیه کنندگان کمپانی‌فوق بیشتر است پاپیرلوری سعی میکند اورا واله‌وبیقرار خود سازد و بعد ... ملکه ستارگان یونیورسال گردد ! این را هم بدانید که جناب لئونارد گلدستین درست سه برابر از پاپیرلوری‌مسن‌تر است .... خدا عاقبت این عشق‌را بخیر کند!.

چقدر خوش ذوق ..

(مارتین کارول)را (مریلین‌مونرو)ی فرانسه میدانند. این‌زن دلفریب‌درطنازی وعشوه‌گری یدطولائی دارد و ... شاید بهمین جهت است او را برای بازی در قسمت دوم فیلم (تختخواب) موسوم به (تختخواب مادام‌دوپمپادور) انتخاب کرده اند ...

اصولا فرانسویها(بتختخواب)علاقه شدیدی ابراز می‌دارند و(مارتین کارول) نیز از همین (راه) شهرت خود را بدست آورده است !

اسکار امسال

اکنون درهالیوود بحث برسراین است که‌چه‌فیلمی وچه هنرپیشگانی جائزه اسکار امسال راخواهند بود .

فیلمهای زیر کاندید جائزه بزرگ (اسکار) هستند :

از اینجا تاابدیت ـ شین ـ تعطیلی دررم ـ لیلی ـ شوالیه های میز گرد ـ خرقه ـ پسر کوچك گمشده ـ چگونه با یك میلیونر میتوان ازدواج کرد ! ـ هوندو ـ ماجرای حقیقی زندگی .

نحسی سیزده

(ژان ماره) اخیراً مشغول بازی‌در فیلم (کنت‌دومونت کریستو)شده است. همبازی او (لیاآماندا) است و بطوری که گفته میشود این فیلم بزودی آماده نمایش خواهد شد .

آیا میدانید این چندمین بار است که‌ازروی داستان مشهور(الکساندردوما) فیلمبرداری میشود ؟ سیزدهمین‌بار ! شاید نحسی(سیزده) این فیلم رابگیرد و تهیه کنندگان دست‌ازسر این کتاب بردارند.

جواهر !

موقعی که (اواگاردنر) ازبازی در فیلم (شوالیه‌های میز گرد)فارغ‌شدبقدری اعصابش ضعیف شده بود که هرروز با شوهرش (فرانك سیناترا) نزاع میکرد. از قضا بازی در فیلم(از اینجا تاابدیت) که (فرانك سیناترا) در پایان آن میمیرد روی‌این اعصاب‌جوان ضعیف‌الجثه نیز تاثیرفراوانی کرده بود بطوریکه‌هر روز این زن و شوهر مشغول کتك کاری میشدند .

بالاخره مادر فرانك سیناترا برای نجات فرزندش مشغول‌اقدامات اساسی‌شد اما مردم چقدر تعجب کردند وقتیکه‌دیدند بجای طلاق ،اوا وفرانك دست در دست هم درخیابانها گردش‌میکنند. فکر نمیکنید چنین مادر شوهری را باید (جواهر) نامید ؟! ..

پشیمان !

بالاخره نزاع بین (ماریولانزا) و کمپانی مترو باینجا کشید که کمپانی‌صفحات آواز (ماریولانزا)رابرای‌فیلم(شاهزاده- محصل)ضبط کرده و بجای او هنر پیشه جدیدی بنام (اد موند پوردام) بازی می کند .

(ماریو) فکر نمیکرد که‌مترو اورا بیرون کند وخیلی ناز و افاده داشت اما مترو که خیالش ازجهت‌صفحات‌راحت‌بود (ادموندپوردام) راکاندیدجانشینی(لانزا) کردو اکنون بطوریکه گفته میشود(ماریولانزا)ازکرده‌خودپشیمان‌شده اما .لابد میدانید که خود کرده‌راچاره نیست.

راه بی بازگشت

شایع است که آن عشق شدید بین (اینگریدبرگمن)و(روبرتوروسلینی)در بسردی گرائیده ولی ازآنجائیکه میترسند طلاق برای شهرت ومعروفیت آنها زیان داشته باشد از اینکار خودداری‌میکنند.. آیاشما دلتان بحال آنهانمیسوزد!!

گردش روزگار

(بتی گریبل) از موقعیکه (مریلین- مونرو) جای‌اورا گرفته یکلی ازکارسینما بیزار شده واکنون باشوهرش (هری ـ جیمز) درکافه‌ها یا مجالس مهمانی اعیان واشراف نمایش می‌دهد ..

مردم فضول می گویند همان بلائی‌را که‌سالها قبل (بتی گریبل)برسر(آلیس‌فی) آورد ، اکنون(مریلین‌مونرو)تلافی‌میکند ...آخر هرکسی پنج روزه نوبت‌اوست!

دوئل در جنگل !

(پل برینکمن)باتفاق زوجه‌اش(جین- کرین) اخیراً بآفریقا مسافرت کرد و اتفاقا درآنجا موفق شددوپلنك‌عظیم‌الجثه شکار کند . اول می‌خواست پوست آن‌ها را بفروشد امارژیسور فیلم برای‌صحنه‌ای

ازفیلم‌آنها را ازاوخرید وبرای‌جین کرین دستور داد لباس زیبائی‌بدوزند .اسم‌فیلم (دوئل‌درجنگل) است وکارگردان آن (کینك‌ویدور) که‌چندسال‌قبل‌فیلم(دوئل‌در آفتاب)را تهیه کرد. لابد باز درآخرفیلم قهرمان فیلم و(دختره) با هم (دوئل) می کنند و ..

روی‌جلد... اواگاردنر
صفحه ۱۲ و ۱۳ را بخوانید

فیلمهائی که بزودی در دنیا نمایش داده خواهد شد

مترو گلدوین مایر

•• کلارك گیبل موقعیکه از آفریقا باز گشت خیال داشت استراحت کند اما کمپانی متروفورا اورا باتفاق لاناترنر و ویکتورمیچر روانه هلندساخت تادر فیلم درستکاروشجاع بازی کند. فیلمبرداری این فیلم پایان پذیرفته واکنون مشغول چاپ وموتاژ آن میباشند.

•• ریتا گام هنرپیشه تازه کار و دلربای هالیوود که فقط باشرکت در فیلم صامت (سارق) شهرت بی نظیری کسب کرده است ،فیلم سعدیه را اخیرا باشرکت کرنل وایلد و مل فرر باتمام رسانیده است .

••جن کلی ،درسال گذشته درانگلستان دوفیلم موسوم به قله موج و دعوت برقص بازی کرد که هنوز هیچکدام آنها آماده نمایش نشده است و فعلا مشغول بازی در فیلم بریگادون باتفاق سید شاریس ، میباشد . این فیلم با طریقه سینما سکوپ ساخته خواهد شد .

•• پس از آنکه فیلم سینما سکوپ شوالیه‌های میز گرد ،با موفقیت روبرو شد کارخانه مترو تصمیم گرفت دوفیلم دیگر از این نوع تهیه نماید این دوفیلم عبارتند از: ولخرج ، باشتراك ویتوریو گاسمان هنرپیشه ایتالیائی و اواگاردنر، روزماری باشتراك آن بلایت و فرناندولاماس .

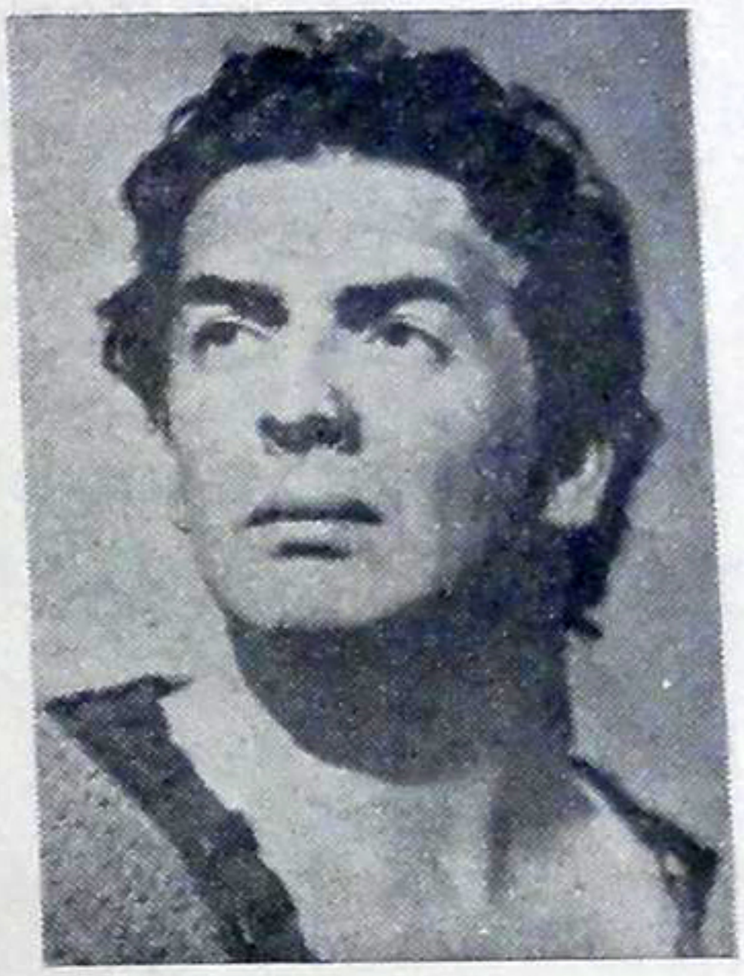

ویکتور میچر

پارامونت

•• شرلی بوت هنرپیشه برودوی امریکا که سال گذشته بواسطه بازی در فیلم شبای کوچك باز گرد موفق بدریافت جایزه اوسکار گردید اکنون مشغول بازی در فیلم درباره خانم لسلی ،میباشد رل مقابل او را در این فیلم رابرت ریان بعهده دارد .

• • باب هوپ ،و جون فونتن ، و بازیل راتبون ،در هفته گذشته فیلم شب نشینی بزرك کازانوا رابپایان رسانیدند در این فیلم باب هوپ در رل کازانوا ظاهر میگردد!!

•• اودری هیپبورن ، که فقط بواسطه بازی دریك فیلم بنام تعطیلات در رم ، اکنون در امریکا شهرت بی نظیری کسب کرده است باتفاق همفری بوگارت مشغول بازی در فیلم بازار مکاره سابرینا میباشند .

•• دانی کی، که درسال گذشته قرار دادی برای بازی در سه فیلم با کارخانه پارامونت منعقد کرده بود دومین فیلم خود راکه کریسمس سفید ،نامدارد بازی کرد. همبازیهای دانی کی ،در این فیلم عبارتند از بینك کروزبی ، روز ماری کلونی ، و وراالن

یونایتد آرتیست

•• تونی دکستر ، هنرپیشه فیلمهای والنتینو و جانباز ، پس از یکسال کناره‌گیری از سینما بهالیوود مراجعت کرده است تا مشغول بازی در یك فیلم سراسر حوادث وزد خورد بنام کاپیتان کیدو کنیز گردد این فیلم تمام رنگی بوده و اواگابور هنرپیشه مجارستانی رل مقابل اورا بعهده دارد .

•• از گاری کوپر و برت لنکستر دو تن از محبوبترین هنرپیشگان هالیوود چندی پیش دعوت شد تا بمکزیکو مسافرت کرده و در آنجا باهم در فیلمی بنام وراکروز شرکت نمایند .

فوکس قرن بیستم

•• کارخانه فوکس که مبتکر فیلمهای سینما سکوپ بشمارمیرود اعلام کرده است که بزودی چند فیلم از این نوع ببازارهای جهان خواهدفرستاد یکی از این فیلمها شب زنده‌دارها ، نامدارد و هنرپیشگان درجه اول آن گریگوری پك وریتا گام هستند

• • ماریلین مونرو که بواسطه زیبائی خیره کننده‌اش جین هارلوی جدید لقب یافته است قرار است بزودی در سومین فیلم سینماسکوپ بنام مایوی قرمز ،بازی کند این فیلم تمام رنگی بوده و رل مقابل او را دان دیلی ، ایفاء میکند.

••دوفیلم دیگر که کارخانه فوکس از این نوع تهیه خواهد کرد عبارتند از شاهزاده شجاع ، باشتراك جیمس میسون وجنت لی. باغ گناه، باشتراك: گاری کوپر و سوزان هایوارد و ریچارد ویدمارك .

•• هوارد هاکس، هفته قبل عازم کشور مصر شد تادر آنجا مقدمات تهیه فیلم بزرك و پرخرجی را بنام سر زمین فرعونها فراهم سازد .مسئله مهمی که دراینجامورد بحث قرار گرفت عظمت اهرام مصر بود که حتما لازم بود درفیلم نشان داده شوند ودر نتیجه تصمیم گرفته شد که فیلم فوق بطریقه سینما سکوپ، ساخته شود و بجای اهرام اصلی از نمونه‌های کوچك آنها استفاده گردد . هنرپیشگان فیلم هنوز تعیین نشده‌اند

کلمبیا

•• الن لد که پس از بازی دردوفیلم بتازگی از انگلستان بازگشته است مشغول بازی درفیلم رنگی شوالیه سیاه ، میباشد همبازی وی در این فیلم پاتریشیامدینا ، میباشد .

•• ریکاردو مونتالبان، برای اولین مرتبه ازطرف کارخانه کلمبیا، دعوت شده است تا رل اول فیلم رنگی شمشیر اسلام را بازی کند رل مقابل او را بتاسنت جان هنرپیشه تازه کار بازی میکند.

ریتا گام

تکنیکهای جدید سینما

قسمت اول : بحث درباره تکنیکهای جدید

کاظم اسماعیلی

این مقاله شامل دو قسمت است : یکی بحث راجع بتکنیکهای جدید و دیگری تاریخچه مختصر اختراع و تکامل آنها .

در امریکا فعلا بسه طریقه فیلم برجسته تهیه میشود که در حقیقت هیچکدام آنها هنوز کامل نشده و باید گفت که مراحل اولیه خود را طی میکنند .

روز ۳۰ نوامبر ۱۹۵۲ در تاریخ سینمای آمریکا و دنیا ، روز مهمی محسوب میشود . در این روز تاریخی ناگهان شهرت کلمه «سینه‌راما» درسراسر آمریکا پیچید وعلاقمندان بسینما در آنروز فیلم تازه ای دیدند که بسا تکنیك جدیدی ساخته شده بود .

این تکنیك جدید ، وسایر طرق تازه دیگر ، هرچند برای اهل فن روشن وواضح است اما برای تماشاچی عادی ومخصوصا ایرانی ، که هنوز هیچیك از انواع جدید فیلم را ندیده باید توضیح داده شود زیرا ، منبعد فیلم ها فقط بسه طریقه ای که ما در این مقاله نسبتا طولانی ، سعی میکنیم اصول فنی آنها را بزبان ساده شرح دهیم ، ساخته خواهد شد ولازمست که قبلا ذهن تماشاچیان نسبت باین تکنیك ها روشن باشد ...

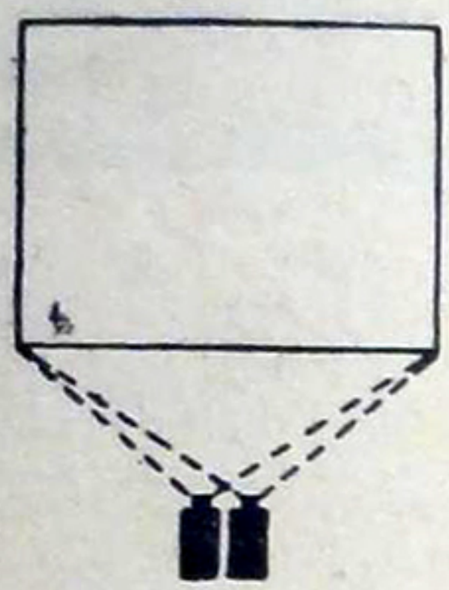

سه بعدی

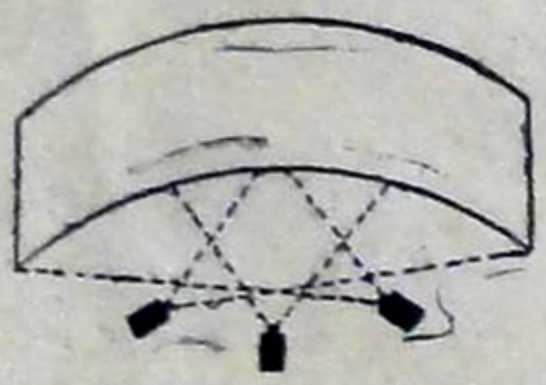

سینه راما

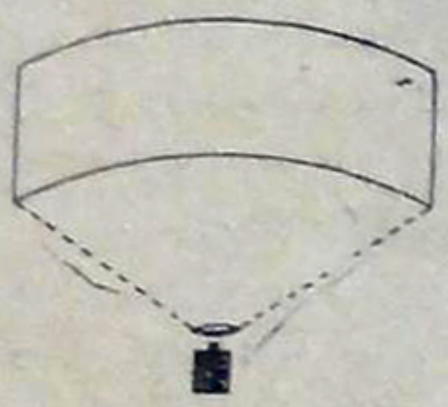

سینما سکوپ

سینه راما – طریقه ای است که هنگام نمایش فیلم آن ، تماشاچی خیال میکند پرسوناژها وسایر اشیاء موجود در صحنه ، اززمینه پرده بیرون آمده ودراطراف او هستند یعنی فیلم را باسه «بعد» طول وعرض وعمق می‌بیند سینه راما تاکنون تماشاچیان زیادی را بسالنهای سینما کشانده است اما بواسطه آنکه پرده اش دارای انحنا وبسیار عریض می‌باشد واحتیاج بسه دستگاه پروژکتور دارد ، در سینماهای معمولی نمایش آن امکان پذیر نیست وباید فقط در سینماهائی که دارای سالن‌های بزرك هستند نمایش داده شود .فیلم سینه‌راما گرانترین فیلم سه بعدی چه ازحیث تهیه و چه از حیث نمایش می‌باشد . این طریقه عینك لازم ندارد .

سه بعدی (رؤیت طبیعی) – یکی از سه طریقه فیلم برجسته است که نسبت به دوتای دیگر طبیعی تر صحنه را نشان میدهد و تماشاچی هنگام تماشای آن باید عینك مخصوصی بچشم بزند .فیلم سه بعدی بایك دوربین که شامل دوحلقه فیلم و فاصله آنها ازهم باندازه فاصله بین دوچشم یك انسان معمولی است تهیه می‌شود و نمایش آن نیز فقط باید بادو پروژکتور صورت گیرد .

سنکرونیزاسیون (عمل تطبیق دو حلقه فیلم روی یکدیگر) در این طریقه بسیار دقیق صورت میگیرد. کمپانی‌های بزرك فیلمبرداری مخصوصا وارنرو کلمبیا وپارامونت ، از این طریقه بیشتر استفاده می کنند . زحمت بچشم زدن عینك و عوارض جسمی تماشای فیلم ، دوعامل اصلی است که مطلعین راسبت به پیشرفت این طریقه تااندازه ای مشکوك کرده است .

سینماسکوپ - نام طریقه‌ای است که اول بار درسال ۱۹۵۳ کمپانی فوکس قرن بیستم استعمال کرد واکنون سایر کمپانیها نیز ازآن استفاده میکنند. پرده سینماسکوپ مانند سینه‌راما عریض ودارای انحنای مختصری میباشد امااز پرده سینه راما کوچکتر است .عریض بودن پرده و انحنای آن در تماشاچی این احساس را پدید میآورد که فیلم برجسته است واو در میان پرسوناژها واشیاء صحنه میباشد .فیلم سینما سکوپ فقط یك دوربین و یك پروژکتور لازم دارد اما باید عدسی مخصوصی ،چه هنگام تهیه فیلم وچه هنگام نمایش ،جلوی دستگاههای عادی گذارد که ساختن همین عدسی علاوه بر قیمت گزاف ،مدت چندین ماه طول میکشد . این طریقه نیز احتیاجی به عینك ندارد.

یك طریقه دیگر نیز وجود دارد که مخصوص شورویها است . در این طریقه تماشاچی احتیاجی بعینك ندارد منتها در مقابل پرده یك پرده اضافی ، که ازتارهای بسیار ظریف فلزی وشفاف ساخته شده ، آویزان میکنند وتماشاچی عینا فیلم رابرجسته می‌بیند این طریقه بسیار گران تمام میشودو از حیث تجارتی قابل استفاده نیست ، با وجود این ازچندی پیش فیلمسازان انگلیسی برای اینکه در مقابل هالیوود بتوانند وضع خودرا تثبیت نمایند سعی میکنند که طریقه شوروی‌ها را کاملتر کرده وازآن یك وسیله ساده و قابل استفاده بسازند . شوروی‌ها چنانکه گفته میشود ده سال است که فیلم برجسته دارند ولی چون نمایش آن بااشکالات فراوانی رو برو میباشد لذا هنوز به پیشرفت شایان توجهی نائل نشده است .

تغییرات جدید

اخیراً در طرق سه گانه آمریکائی مخصوصا در طریقه سه بعدی تغییرات و تحولات تازه ای بوجود آمده است که نباید اهمیت آنرا از نظر دور داشت . کمپانی کلمبیا فیلم رنگی «میس سادی تامپسون» را باطریقه «نورت» ساخته است .در این طریقه بر خلاف سابق که دونوار فیلم بکار برده میشد ، یکنوار استعمال میشود. این مسئله فیلم یك نواری بسیار درخور اهمیت است زیرا اگر فی المثل فیلم سه بعدی پاره میشد تعمیر آن اشکال فراوانی داشت واز لحاظ دوبله کردن وزیرنویس یا ترجمه فیلم (که در کشور ما معمول است) غیر قابل عمل بوده وخرج حمل و نقل وبیمه ونمایش آن نیز کمتر ازیك پنجم فیلمهای سابق است .

تانام

آیندهٔ سینما در دست این هنرپیشگان است

چند کلمه در باره هنرپیشگانی که در آینده صحنه سینماها را در اختیار خود خواهند داشت

مطابق معمول هر چندسال یکمرتبه از طرف بزرگترین مجلات سینمائی آمریکا مانند مجله نمایشات و فتوپلی و موشن پیکچر هرالد وغیره ازمردم در خواست میشود تا هنرپیشگان محبوب خود را در حال حاضر تعیین نمایند.

بدیهی است این آراء در سرنوشت هنرپیشگان بی نهایت موثر میباشد زیرا تهیه کنندگان فیلم و صاحبان کارخانه‌ها برای نتیجه این آراء اهمیت زیادی قائل میشوندو هر هنرپیشه ایکه دارای آراء زیادتری باشد میتواند امیدوار باشد که مدارج ترقی را بزودی طی کندزیرا همینکه تهیه کنندگان دانستند که کدامیك از هنرپیشگان شهرت ومحبوبیت زیادتری دارند فیلمهای متعددی از آنها تهیه میکنند و ببازارهای جهان میفرستند.

ولی آراء امسال برخلاف انتظار بود زیرا مردم هنرپیشگانی را انتخاب کرده بوده که تازه قدم بعرصه سینما گذاشته بودندو اکثر آنهاهنوز در ایران ناشناس بوده و یا فیلمی ازآنها نشان داده نشده است.

نتیجه این آراء ثابت کرد که مردم دیگرعلاقه ی بدیدن فیلمهای هنرپیشگانی مانند کلارك گیبل و اسپنسر تراسی وجون کرافورد و بت دیویس ندارندودرعوض صدای روجیرور روز ماری کلونی وقیافه

جولیا آدامس

جذاب جانت لی و هیکل مردانه اسکات بریدی و تونی کرتیس تدا برهرچیز دیگر ترجیح میدهند.

البته نتیجه آراء مجلات مختلف، با یکدیگر متفاوت بودولی ازلحاظ تعداد آراء هنرپیشگان ذیل بعنوان محبوبترین هنرپیشه سال معرفی شده‌اند که اکنون بخوانندگان معرفی میشوند:

۱ -ازلحاظ تعداد آراء **جانت لی** در درجه اول قرار داشت.

جانت لی اکنون در آمریکاشهرت و محبوبیت زیادی بدست آورده و در سال گذشته در چند فیلم بزرك شرکت کرده است.

از جانت لی تاکنون چندین فیلم مانند عشق روزی ریج، فاجعه عشق، خاك میهن وزنان کوچك نشانداده‌اند آخرین فیلم وی هودینی نامدارد که نقش مقابل شوهرش تونی کرتیس رادر آن ایفاءمیکند.

۲-**گلوریا گراهام** ـ اکنون در ردیف هنرمندترین ستارگان هالیوود است درسال گذشته نیز بواسطه بازی در فیلم زیبا وبدسرشت باخذجایزه اوسکاردرجه دوم نائل گردید.

تنها فیلمی از گلوریا که درآن دل داشت ودر ایران نشانداده شده در مکانی تنها، نامداشت واز آخرین فیلمهای وی میتوان دیوار شیشه‌ای و ترس ناگهانی را نامبرد.

۳- **تونی کرتیس**ـ تنهاهنرپیشه‌ای است که بایك فیلم بنام شاهزاده دزد که از او در ایران نشاندادند مشهور خاص و عام شد و اکنون هوا خواهان بیشماری مخصوصا دربین طبقه جوان دارد.

تونی کرتیس تاکنون دربیش از ۱۵ فیلم بازی کرده است واز فیلمهای خوب وی میتوان پسر علی بابا، و ممنوع شده را نامبرد.

۴- **تری مور** ـ از سال ۱۹۴۰ که در فیلم ماریلند شرکت کرد توجه تهیه کنندگان فیلم را بخود جلب کرد و بعدابه ترتیب در یك سری از فیلمها شرکت کرد و روزبروز برشهرت او افزوده شد.

ازفیلم‌های خوب تری مور تاکنون

رزماری کلونی

درایران بازگشت اکتبر، و مافوق عجایب را نشانداده‌اند ولی بازی عالی او درفیلم بازگشت شبای کوچك باعث شدکه او را از حیث شهرت و محبوبیت در درجه چهارم قرار دهد.

۵ - **روز ماری کلونی**ـ که مردم بخاطر زیبائی وصدای روجیرورش او را انتخاب کرده‌اند تا قبل ازشرکت در فیلم ستارگان میخوانند خواننده‌ای گمنام بود و فقط توانست با ظاهرشدن دریك فیلم میلیونها طرفدار برای خود بدست آورد

آخرین فیلم وی که یك کمدی موزیکال است دختران به اینجا میآیند ـ نامدارد که دل مقابل باب هوپ را ایفاء میکند

۶ -**جولیا آدامس** ـ فقط درنتیجه یك اتفاق بمقام هنرپیشگی رسیدبدین ترتیب که در یك مسابقه فوتبال جلب نظر یکی ازتهیه کنندگان کارخانه یونیورسال انتر ناشنال رانمودوپس از یك آزمایش اورا بعنوان ستاره دوم فیلم در چندین فیلم بزرك مانند قمار بازمیسی سی پی خم رودخانه بازی کرده است.

۷-**اسکات بریدی**- ترقی وشهرت اسکات بریدی تقریبا بموازات تونی کرتیس بوده‌است. برای اولین مرتبه درسال ۱۹۴۸ با بازی درفیلم دراین گوشه در کارخانه فوکس شروع بکار کرد ولی بازی او توأم باموفقیت نبودبدین لحاظ قرارداد خود را باکارخانه فوکس فسخ کرد و در سلك هنرپیشگان کارخانه یونیورسال درآمد.

بقیه در صفحه ۲۱

«نسل بیچاره»

فیلمی که محکوم میکند!

چشم براه آینده تاریك ...

منوچهر وطن پور

در میان آثار رنك برنك و گوناگونی که هر روز ازکارخانه های فیلم سازی هالیوود بیرون میآید؛ گاهگاهی آثاری پیدا میشود که با زندگانی روز مره مردم تااندازه ای وفق میدهد

این گونه فیلمها که بسیار نادرهستند معمولا بااستقبال گرمی هم‌روبرو میشوند ولی این نکته کـه پس چرا هـالیوود ساختن چنین‌محصولاتی‌رادر برنامه کارخود قرار نمیدهد هنوز برای خیلی هامجهول است! بهـر صورت ، یلمی که اکنـون بخوانندگان معرفی میشود ، از همین‌تیپی است که در باره‌آن سخن گفته شد.

اسم اصلی آن ، «خیلی‌جوان ،خیلی بد » می‌باشد .

هنرپیشگان آن بترتیب اهمیت رل عبارتند از :

پل‌هنرید ، کاترین‌ماك‌لئود،وسیسیل کله‌وی‌و چهار دو شیزه جوان که شاید برای اولین بار بابعضی از آنها برخورد میکنید ودرحقیقت رلهای اصلی فیلم‌بعهده آنهااست‌وعبارتنداز : آن‌فرانسیس ،روز یتامورہ نو ، آن‌جاکسون‌واندی‌پول‌ور.

مطلب قابل توجه‌درباره نسل‌بیچاره موضوع آنست .

داستان فیلم ، ماجـرای زندگـی دختران گمراهی است که‌در زندگی‌خود دچار اشتباهاتی شده وبرای اصلاح شدن وگذراندن مدت قصاص خود دردارالتادیب بسر میبرند . در حقیقت‌سوژه فیلم رابایه بدوقسمت نمود . زیرا درهریك ازنیمه‌های فیلم یك شکل تعلیم و تربیت کودکان و جوانان ، وسیستمهائی که امروزه درخیلی از کشور ها بکار بـرده‌میشود بچشم میخورد .

البته دختران در تحت سخت ترین شرایط وموحش‌ترین مجازات قراردارند مدیر دارالتادیب معتقد است که :

..«تنهامجازات های‌خشن است که آنها راوادار میکند به‌مقامات دارالتادیب احترام‌بگذارندو ... احیاناز فرارنمودن خودداری نمایند .»

باوجود آنکه بعضی ازشکنجه‌هائی که داده میشود آنها را تا سر حد مرك هم میبرد ، اما دست ازمقاومت نمیکشند وهمچنان‌علیه زورو فشار غلطی که برآنها وارد می‌شود مبارزه میکنند .

این مبارزه بحدی میرسد که یکبار نیز آسایشگاه‌خودرا دچار حریق‌میسازند در نیمه دوم فیلم پزشك امراض دماغی پرورشگاه(پل‌هنربد) که بروحیه کودکان بخوبی آگاه است ،اداره اموررادردست میگیردوآزادی‌های نسبتا زیادتری بـه دختران میدهد .مخصوصا هرنوع شکنجه وتنبیه بدنی را موقوف میسازد و دستور میدهدکه دختران‌حتی از پوشیدن‌اونیفورم هم‌خودداری نموده ولباس خویش‌راخود انتخاب نمایند .

در حالیکه‌رئیس موسسه مطمئن‌است که‌با این ترتیب کسی درآنجانخواهدماند وهمه فرارخواهندنمود ، ملاحظه می‌شود که‌آب هم ازآب‌تکان نمیخورد و بدون آنکه آنهمه وسائل عذابی که وجـود داشت بکار برده‌شود ، امور آموزشگاه به نحوقابل تحسینی اداره‌میشود...

بطوری که ازهمین مختصر برمیآید، « نسل بیچاره » انعکاسی است از آنچه که امروز در دارالتادیب های گوناگون میگذرد وآئینه ئی‌است‌از زندگی‌دختران و کودکان در پرورشگاههای. . .روی همین اصل باید آنرا یك اثـر انتقادی نسبتا کاملی دانست‌وبا درنظر گرفتن‌این که سناریست راه‌چاره وراه فرار ازاین طرززندگی‌غلط وراه‌صحیح‌و تعلیم‌وتربیت را هم‌نشان داده است بمفیدبودن و موثر بودن داستان فیلم پی‌برده میشود .

واما بازی هنرپیشگان — اگر از پل‌هنربد که بازیگرسابقه‌داریست‌بگذریم دیگران بخصوص سه یا چهار دختری که رل‌های مهم‌فیلم بعهده آنها واگذار شده وچندان‌تجربه ای‌هم در سینما ندارندباز، از ایفای رلهای محوله خویش برمیآیند. مخصوصا آن فرانسیس درنقش دختر مو بور ولاغر اندام وروزیتاموره‌نو درنقش

بقیه درصفحه ۲۱

روانشناسی نیکوکار ،بکمك دختران‌فلکزده میشتابد

«حسین دانشور»

هنرپیشه ایکه در دوره مدرسه از سینما بی نهایت بیزار بود !

چون تصمیم بانتشار اینجله گرفته شد و صفحه مصاحبه با هنرمندان را بعهده‌من گذاردند در فکر رفتم که چه کسی را برای اولین‌شماره انتخاب کرده بسراغ او بروم .

اینفکر مدت زیادی بطول نیانجامید که نام‌حسین دانشوردر ذهنم نقش بست واز اینکه باینزودی تیرم بنشانه خورده بود خیلی خوشحال گشتم .

دانشوربا همان یکی دوفیلمی که‌در سابق بازی کرده‌محبوبیت زیادی بین دوستداران‌سینما کسب نموده است وحقیقتاهم‌وی راباید ازهنرپیشگان انگشت‌شمار سینمای ایران دانست .

بالاخره تصمیم خود را گرفته و یکروز عصر باستودیو فیلمبرداری بدیع که‌دانشور در آنجا بود- البته‌طبق‌قرار قبلی- رفتم تازه با چند تن دیگر از هنرپیشگان که‌برای فیلمبرداری باسکی‌رفته بودند برگشته بود وبا چند بار عذرخواهی پس از اینکه لباسهایش‌را عوض کرد با هم باطاقیکه دستگاههای فنی فیلمبرداری و لباسها و دیگرچیزها درآنجا قرارداشت رفتیم .

دانشورباز هم‌پس از اینکه دو سه بارمعذرت‌خواست اضافه نمود: من علاقه زیادی‌باین‌اطاق ،این‌وسایل‌و اینکاردارم وچه بهتر ازشما که‌علاقمند باین‌فن‌هستیددر این اطاق پذیرائی کنم .

پس ازقدری‌صحبت موضوع‌اصلی و منظور خودرا پیش کشیدم‌وچون قبلااطلاع داشتم که‌وی خیال‌دارد ازاین مصاحبه‌سر باز زندوخود راکوچکتراز آن‌میدانست که‌مورد مصاحبه‌قرار گیردباو گفتم : شما حق ندارید چنین حرفی بزنید زیرا شما بخودتان‌تعلق ندارید که‌بخواهید از این امرسرباز زنیدبلکه‌هنرمندهستیدوهنرمند هم‌باجتماع تعلق‌دارد و بهتر است آنچه راکه دارید بهمین اجتماع بدهید .

دیگر نتوانست‌اباکندو درپاسخ من گفت صحیح‌است من‌باجتماع تعلق دارم‌و تنها پاداش‌منهم‌هنگامی‌است که‌اجتماع‌از من راضی‌و خرسند باشدبنا بر این هرچه میخواهید بپرسید . رشته کلام را بدست خودش دادم‌و گفتم: نه هر چه میخواهید بگوئید و او این اطلاعات‌را دراختیارمن گذارد :

دانشور دردوره مدرسه بچه‌ای‌زرنك ومنظم بودبطوریکه همیشه بمبصری کلاس انتخاب میگردید ولی‌تعجب‌میکنیدوقتیکه بشنوید وی‌از سینما خیلی‌بدش میآمد واز آن گریزان بودو برفقای مدرسه‌ای‌خودش ایرادمیگرفت که‌چرا آنقدر بسینمامیروند در عوض‌ببالت و رقصهای هنری‌نهایت علاقمندی‌را داشت‌وهمین امرباعث شدکه در اولین فرصت بجمعیت‌احیاءهنرهای‌ملی بپیوندددودر آنجا بفرا گرفتن این فنون بپردازد .

وی‌در سال۱۳۲۸ سفری‌بکشورهای شرقی و غربی کرد که معلومات قابل ملاحظه‌ای کسب‌نمودوچون بایران‌باز گشت پس‌از مدت کوتاهی برای‌اولین باردرفیلم شرمسار و پس ازچندی مستی‌عشق که هر دومحصول پارسفیلم بودندشرکت جست و این فیلمها باعث‌شهرت ومحبوبیت عجیبی برای دانشور درمجامع‌هنری‌ومردم گردید البته مسافرت طولانی وهنری‌دانشور در برگرداندن عقیده وی نسبت بسینما تاثیر عمیقی داشت .

اماپس‌ازچندی‌ناگهان خبر رسیدکه‌حسین دانشور باتفاق‌چند تن‌ازهنرپیشگان فیلم مستی‌عشق ویك دسته هنری ایران‌را ترك گفته است.وی‌باز هم مانند سفر گذشته تا آنجاکه‌توانست کشورهای‌مختلفی چون : فلسطین،لبنان، مصر،یونان ایتالیا ، فرانسه،هندوستان وپاکستان‌را گردش‌نموده ودر مجامع و اماکنی که بوی‌ذوق‌وهنراز آن‌برمیآید سرکرد ومعلومات ذیقیمتی برای خود اندوخت و مخصوصا هنر کشورهای ایتالیا، فرانسه ، یونان و هندوستان‌بطرز عجیبی در وی‌اثر کرده‌است‌وبخصوص ایتالیا که‌هنرمترقی‌وپیشرو آنجا احتیاجی بتوضیح و تفسیر ندارد .

دانشور اکنون در استودیو بدیع مشغول بازی‌درفیلمی است که‌همه‌چیز آن فعلا مخفی‌است‌بجز فیلمبرداری‌آقای‌مهندس بدیع‌و بازی‌خوداودرآن! وی‌عقیده عجیبی نسبت بکار و ذوق‌آقای‌بدیع‌دارد که‌الحق اینموضوع را خوب درك کرده‌است وکار ایشان احتیاجی بتوصیف ندارد . دانشور نامزدی‌در یونان داردکه‌در آنجا مشغول تحصیل است و بطوریکه اظهار میداشت معلوم نیست‌این‌امر غیرواقعاصورت‌بگیرد یانه‌زیرانمیتوان گفت که‌پیش‌آمدچه‌خواهد کرد .

سناریو !

در هالیوود میخواستند از روی کتاب مشهوری فیلمی تهیه کنند . نویسنده کتاب‌و تهیه کننده فیلم‌سریك‌خط باهم‌چانه میزدند. نویسنده‌اظهارمیداشت که‌آن‌یك خط بایدحتمادر سناریو گنجانده‌شود اما تهیه کننده‌میگفت که اگرآن‌یك خط‌بماندفیلم را سانسور خواهندکرد . کارگردان‌فیلم سر رسید و ماجرا را پرسید .. نویسنده بینوا جوابداد آخر این یك خط تنها مطلبی است ازکتاب من، که در سناریو دیده میشود !!

تحول سینمائی ایتالیا چگونه بوجود آمد؟

چند هفته بعدازاتمام جنگ بین‌المللی دوم بود که یك تهیه کننده گمنام ایتالیائی مقداری پول قرض کرد وچند نفر هنر پیشه حرفه ای رااستخدام نمود و بادوربین قراضه ای که داشت درخیابان‌های شهررم شروع بتهیه فیلم « رم، شهر بیحفاظ » نمود اما در اواسط کار بواسطه گرانی مواد اولیه مانند فیلم‌خام و غیره نزدیك بود که از این کار صرفنظر نماید ولی آمریکائیها که در آنموقع خاك ایتالیا را در اشغال خود داشتند بطور غیر مستقیم به این تهیه کننده که «روبرتوروسلینی» نامداشت کمك نمودند از جمله یك گروهبان آمریکائی بنام«رودگایجست» بعضی از مواد کمیاب را در اختیار وی گذاشت تاوی بتواند این فیلم را بپایان برساند وبدین ترتیب اولین فیلم‌ایتالیائی بعد از جنك پس از زحمات زیاد تهیه‌شد. موقعیکه آمریکائیها خاك ایتالیا را ترك میکردند یك کپیه از این فیلم را با خود بآمریکا بردندوآنرا برای‌اولین مرتبه در نیویورك نمایش دادند. این فیلم با استقبال بی نظیر مردم رو برو گردید.

ولی در ایتالیا از این فیلم چندان استقبالی بعمل نیامد زیرا موضوع فیلم که اشغال شهررم را توسط آلمانی‌ها نشان میداد برای ایتالیائیها چندان تازگی نداشت.

چند ماه بعد از این یك هنر پیشه خوب ایتالیائی بنام « ویتوریودوسیکا » خواست تا شانس خودرا در تهیه فیلم آزمایش کندوفیلمی ساخت که«واکسی» نامداشت. یکبار دیگر در اروپا و مخصوصا آمریکا استقبال شدیدی از این فیلم بعمل آمدو منقدین ازبوجود آمدن این تحول جدید درصنعت سینمای ایتالیا تعریف وتمجید زیاد کردندولی ایتالیائی ها باز هم از این فیلم استقبالی بعمل نیاوردند و یك منقد بزرك سینمای‌ایتالیا در مقابل انتقادات روزنامه های خارجی نوشت که«ما بیچارگی وفقر راهرروزو هر ساعت در خیابانهامی‌بینیم و احتیاجی نداریم که دیگر آنرا شبها در سینما تماشا کنیم.»

« روسلینی » و «دوسیکا»مجبور بودند کاری راکه شروع کرده بودند ادامه دهند ولی هیچکدام از این تهیه کنندگان سرمایه‌مکفی در اختیار نداشتند تا فیلمهای عالی تهیه کنند بطوریکه آنها حتی برای استخدام هنر پیشه نیز پول نداشتند و مجبور بودند بجای آنها از هنرپیشگان گمنام و مردم بومی استفاده کرده وبرای صحنه هاو دکوراسیون ها از ویلاها ومناظر طبیعی استفاده‌نمایند.

بدین‌طریق«روسلینی»فیلم «پایزا» و «دوسیکا» نیز فیلم بی نظیر «دزد-دوچرخه » را تهیه کرد. این بار نیز از این فیلم ها در تمام کشور ها بجز ایتالیا استقبال گرمی بعمل آمد امازمانی که این فیلمها را برای مرتبه دوم در ایتالیا نشان دادند مردم ایتالیا از آنها استقبال شدیدی بعمل آوردند وکم کم‌نام « روسلینی» و« دوسیکا» بر سرزبانها افتاد.

باید دانست که سینمای آمریکا در بوجودآوردن‌این تحول‌مهم‌دل‌بسیار بزرگی داشته است. زیرا از موقعیکه کارخانه فوکس هیئتی را برای تهیه فیلم « شاهزاده روباهان » بایتالیا فرستاد این امر از طرف کارخانه های دیگرنیز دنبال شد، علت این‌کار این بود که کارخانه های فیلمبرداری آمریکا مقدار زیادی پول از فروش فیلمهای خود در ایتالیا بدست آورده‌بودند که بامقررات ارزی ایتالیا نمی توانستند آنها را بخارج از ایتالیا انتقال دهند وثانیا مزد کارگر در ایتالیا خیلی قلیل است‌وعلاوه بر اینها این‌کشور دارای صحنه های گوناگونیست که‌برای تهیه هرنوع‌فیلمی میتوان ازآن‌ها استفاده‌کرد.

در این‌اواخر نیز کمپانیهای‌آمریکائی

بقیه‌در صفحه ۱۹

سیلوانا پامپانینی

جینا لولوبریجیدا